

دوشنبه ۸ آذر ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۳ ربیع الثانی ۲۳ • 29 Nov 2021



نگاهی به رسانه‌ها

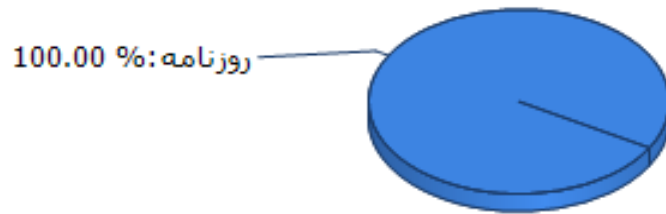
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

تعداد کل محتوا : ۱۷



روزنامه

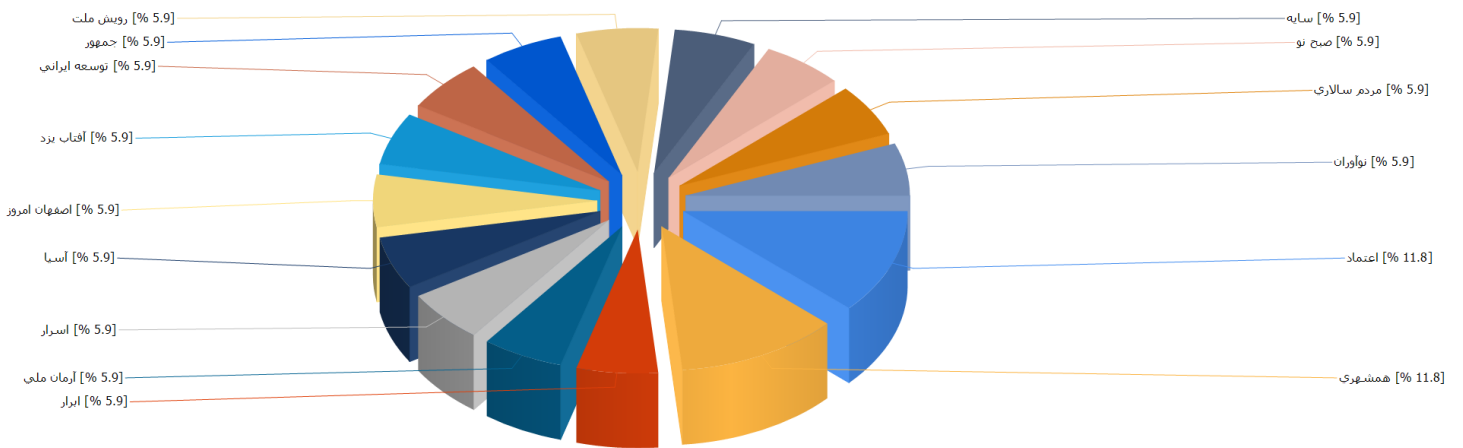
۱۷



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۱/۸	۲	اعتماد	۱
۱۱/۸	۲	همشهری	۲
۵/۹	۱	ابرار	۳
۵/۹	۱	آرمان ملی	۴
۵/۹	۱	اسرار	۵
۵/۹	۱	آسیا	۶
۵/۹	۱	اصفهان امروز	۷
۵/۹	۱	آفتاب یزد	۸
۵/۹	۱	توسعه ایرانی	۹
۵/۹	۱	جمهور	۱۰
۵/۹	۱	رویش ملت	۱۱
۵/۹	۱	سایه	۱۲
۵/۹	۱	صبح نو	۱۳
۵/۹	۱	مردم سالاری	۱۴
۵/۹	۱	نوآوران	۱۵
۱۰۰	۱۷	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	لزوم تشکیل سازمانی مخصوص تئاتر	آرمان ملی
۸	لزوم تشکیل سازمانی مخصوص تئاتر	نوآوران
۹	تالار هنر از ۱۰ آذر آغاز به کار می کند	آسیا
۱۰	«فیلم تئاترها» قربانی سلیقه مداری مدیران	آفتاب یزد
۱۱	وقت آن رسیده که نگاهمان را به شخصیت های جنگی تغییر دهیم	ابزار
۱۲	زنگ خطری که پرویز پورحسینی پیش از مرگش به صدا درآورد	اسرار
۱۳	جشنواره های فجر پر رونق تر برگزار می شود	اصفهان امروز
۱۴	دگردیسی ثنویت متنافر	اعتماد
۱۵	زنگ خطری که پرویز پورحسینی به صدا درآورد	اعتماد
۱۶	پاریس در میانه ایرانشهر	توسعه ایرانی
۱۷	زنگ خطری که پرویز پورحسینی پیش از مرگش به صدا درآورد	جمهور
۱۸	زنگ خطری که پرویز پورحسینی پیش از مرگش به صدا درآورد	رویش ملت
۱۹	چراغ شانزدهمین جشنواره تئاتر استان روشن شد	سایه
۲۰	وحشت را بسیار روانکاوانه می بینم	صبح نو
۲۱	«سیاه» را اندرونی سلطان راهی نیست	مردم سالاری
۲۲	اجرای ۵۷ اثر نمایشی در ۲۲ تماشاخانه خصوصی و عمومی / سلام به صحنه	همشهری
۲۳	درام ناشدنی / نگاهی به نمایش «دن کیشوت»	همشهری



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



تئاتر

قادر آشنا مطرح کرد

لزوم تشکیل سازمانی
مخصوص تئاتر

مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی در برنامه «بی چار چوب» از مشکلات پیرامون هنرهای نمایشی و هنرمندان تئاتر سخن گفت. قادر آشنا گفت: من همیشه معتقدم که ذی نفعان و مخاطبان را باید چهره به چهره دید و از اتاق های در بسته بیرون آمد. خوشحالم که تاکنون هر کسی از مرکز هنرهای نمایشی رد شده است و خواسته با من گفت و گویی داشته باشد، این توفیق حاصل شده است. وی ادامه داد: پیش از عید، طی آمارسنجی که داشتیم؛ حدود ۲۸۰ تلفن هنرمندان را از طریق دبیرخانه جواب دادم و حدود ۱۰۰۰ نفر را از هنرمندان را هم توانستیم ببینیم و با آنها گفت و گو کنیم. همچنان هم در تمام طول هفته با هنرمندان گفت و گو و تعامل داریم و تلاش می کنیم مشکلاتشان را حل کنیم. آشنا پیرامون مشکلات هنرهای نمایشی و هنرمندان بیان داشت: یک موضوعی که برای تمامی هنرمندان عمومیت دارد، تعریف شغل است. اینکه آیا تئاتر یک شغل است یا نیست یک موضوع جدی است که وزارت ارشاد و وزارت کار به تنهایی نمی توانند اقدامی کنند. این موضوع یک خواست عمومی است که وجود دارد. در شرایطی مانند کرونا افراد بیکار می شوند؛ آیا باید بیمه بیکاری بگیرند؟ این مبحث جدی است که برای آن تلاش های جدی شده و ادامه خواهد داشت. آشنا اضافه کرد: تاکنون تمام تلاش ما این بوده که از نمایشنامه ایرانی حمایت کنیم. در حال حاضر هم هر کسی نمایشنامه ای بنویسد که با قوانین ما هم راستا باشد، امکان ندارد از آنها خریداری نشود و به آن پرداخت نشود. مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی درباره فرمول کمک هزینه های تئاترهای روی صحنه نیز گفت: ما سقف کمک هزینه را در سالن های خصوصی افزایش دادیم و دوبرابر کردیم. ولی از آنجایی که برای تولید هزینه می شود، تصمیم گرفتیم سقف کمک هزینه را برای تمام اجراها یکسان کنیم و گفتیم هر مبلغی را که فروختید ما ۵۰ درصد پرداخت می کنیم و تاکنون هم تمام بدهی ها پرداخت شده است. وی در پایان درباره داشتن سازمانی مختص هنرهای نمایشی، مانند سازمان سینمایی بیان کرد: با تمام احترامی که به دوستداران سینما و سینماگران داریم، باید اشاره کنم که مخاطبان و دانش آموختگان تئاتر تعداد زیادی هستند و براساس جامعه آماری، ما حدود ۳۰۰ هزار نفر دانش آموخته تئاتر در دوره کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و پس از دکترا داریم و جشنواره فجر امسال نشان داد که تقریباً ۳۰ درصد کارگردانان ما غیرتئاتری هستند و هنر نخوانده اند. بنابراین اگر سازمانی تشکیل شود در این راستا هم بسیار اتفاق خوبی خواهد بود.

تئاتر

لزوم تشکیل سازمانی مخصوص تئاتر

مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی در برنامه «بی چارچوب» از مشکلات پیرامون هنرهای نمایشی و هنرمندان تئاتر گفت.

به گزارش ایلنا، قادر آشنا مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی روز گذشته با حضور در برنامه «بی چارچوب» شبکه ۴، درباره تعامل با اهالی فرهنگ و هنر به عنوان یک مدیر فرهنگی گفت: من همیشه معتقدم که ذی نفعان و مخاطبان را باید چهره به چهره دید و از اتاق‌های دربسته بیرون آمد. خوشحالم که تاکنون هر کسی از مرکز هنرهای نمایشی رد شده است و خواسته با من گفتگویی داشته باشد، این توفیق حاصل شده است.

وی ادامه داد: پیش از عید، طی آمارسنجی که داشتیم؛ حدود ۲۸۰ تلفن هنرمندان را از طریق دبیرخانه جواب دادم و حدود ۱۰۰۰ نفر را از هنرمندان را هم توانستیم ببینیم و با آن‌ها گفتگو کنیم. همچنان هم در تمام طول هفته با هنرمندان گفتگو و تعامل داریم و تلاش می‌کنیم مشکلاتشان را حل کنیم.

آشنا پیرامون مشکلات هنرهای نمایشی و هنرمندان گفت: یک موضوعی که برای تمامی هنرمندان عمومیت دارد، تعریف شغل است. اینکه آیا تئاتر یک شغل است یا نیست یک موضوع جدی است که وزارت ارشاد و وزارت کار به تنهایی نمی‌توانند اقدامی کنند. این موضوع یک خواست عمومی است که وجود دارد. در شرایطی مانند کرونا افراد بیکار می‌شوند؛ آیا باید بیمه بیکاری بگیرند؟ این مبحث جدی است که برای آن تلاش‌های جدی شده و ادامه خواهد داشت.

این مدیر مسئول در ادامه این بحث اضافه کرد: نکته بعدی که وجود دارد، اجراء است. هنرمندان تئاتر دوست دارند که کارهایشان دیده شود و به اجراء برود. اجراء بخش اعظمی از ارتزاق هنرمندان تئاتر را شامل می‌شود. اینگونه نیست که همه هنرمندان تئاتر چند شغل داشته باشند و بسیاری از آن‌ها تنها از طریق تئاتر کسب درآمد می‌کنند و باید به خواسته آن‌ها پاسخ داده شود.

در دوره‌های قبل تاکنون که مدیر هستم، متون ایرانی و پرداخت به جغرافیای ایران و تولید نمایشنامه، از مشکلات اساسی بوده است که با آن درگیر بودیم و باید به آن پرداخت شود.

او اضافه کرد: تاکنون تمام تلاش ما این بوده که از نمایشنامه ایرانی حمایت کنیم. در حال حاضر هم هر کسی نمایشنامه‌ای بنویسد که با قوانین ما هم راستا باشد، امکان ندارد از آن‌ها خریداری نشود و به آن پرداخت نشود.

مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی درباره فرمول کمک هزینه‌های تئاترهای روی صحنه نیز گفت: ما سقف کمک هزینه را در سالن‌های خصوصی افزایش دادیم و دوبرابر کردیم. بخشی از هزینه‌ها را از اجراء حذف کردیم و سالن‌ها را با ۵۰٪ ظرفیت خریداری کردیم. ممکن است زمانی پروژه‌ای در خور باشد ولی فروش کمی داشته باشد، ولی از آن جایی که برای تولید هزینه کرده است، تصمیم گرفتیم سقف کمک هزینه را برای تمام اجراءها یکسان کنیم و گفتیم هر مبلغی را که فروختید ما ۵۰ درصد آن را پرداخت می‌کنیم و تاکنون هم تمام بدهی‌ها پرداخت شده است.

او درباره نحوه برگزاری جشنواره تئاتر فجر نیز بیان کرد: ما امسال تمام ابعاد جشنواره را بررسی کردیم و انشاءالله جشنواره حضوری خواهد بود.

وی در پایان درباره داشتن سازمانی مختص هنرهای نمایشی، مانند سازمان سینمایی بیان کرد: با تمام احترامی که به دوستداران سینما و سینماگران داریم، باید اشاره کنم که مخاطبین و دانش‌آموختگان تئاتر تعداد زیادی هستند و براساس جامعه آماری، ما حدود ۳۰۰ هزار نفر دانش‌آموخته تئاتر در دوره کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و پس از دکترا داریم و جشنواره فجر امسال نشان داد که تقریباً ۳۰ درصد کارگردانان ما غیر تئاتری هستند و هنر نخوانده‌اند. بنابراین اگر سازمانی تشکیل شود در این راستا هم بسیار اتفاق خوبی خواهد بود.

آشنا با اشاره اینکه در متن نمایشنامه هم مشکلاتی وجود دارد، افزود:

با پایان مرحله دوم بازسازی: تالار هنر از ۱۰ آذر آغاز به کار می کند



◀ مدیر تالار هنر با اشاره به اینکه مرحله دوم بازسازی تالار هنر به پایان رسید، اعلام کرد این سالن تئاتری از روز چهارشنبه ۱۰ آذر با میزبانی از نمایش «هدیه سحرآمیز» فعالیت خود را از سر می گیرد.

حسین مؤذن مدیر تالار هنر که طی ماه گذشته به دلیل انجام بازسازی در برخی بخش های تالار تعطیل بود، درباره وضعیت بازسازی تالار هنر به خبرنگار مهر گفت: مرحله اول بازسازی تالار هنر پیش تر انجام شده بود و طی آن اتاق های گریم و سرویس های بهداشتی بازسازی شدند. در مرحله دوم بازسازی که اخیراً انجام شد سیستم ماشینی صحنه و پرده ها بازسازی و پرده ها برقی شدند. همچنین در این مرحله بالابرها صحنه نیز برقی شدند و لابی و راهروهای تالار نیز رنگ آمیزی شد.

وی یادآور شد: هنوز هم بخش های دیگری از تالار هنر نیاز به بازسازی دارد که با قول مساعدی که مدیر کل هنرهای نمایشی برای تأمین هزینه های مورد نیاز در این خصوص داده و پیگیری هایی که انجام می دهیم در مقاطع زمانی دیگر این بازسازی ها هم انجام

خواهند شد.

مؤذن درباره زمان از سرگیری فعالیت تالار هنر با توجه به پایان مرحله دوم بازسازی این سالن، گفت: تالار هنر از روز چهارشنبه ۱۰ آذر با میزبانی از نمایش «هدیه سحرآمیز» به کارگردانی مهدی خجستگی فعالیت خود را از سر می گیرد.

مدیر تالار هنر در پایان سخنان خود درباره اینکه آیا تالار هنر تنها میزبان یک اثر نمایشی

خواهد بود یا ۲ نمایش به صورت همزمان در تالار اجرا خواهند داشت، تأکید کرد: هنوز محدودیت های کرونایی در تئاتر برداشته نشده و باید از ۵۰ درصد ظرفیت سالن استفاده شود و در ضمن در لابی تالار هنر فاصله گذاری اجتماعی در نظر گرفته شود. به همین خاطر فعلاً میزبان یک اثر نمایشی هستیم و وقتی محدودیت ها برداشته شود میزبان همزمان ۲ اثر نمایشی خواهیم بود ▶

واکاوای اتفاقات خوب و بد عرصه هنرهای نمایشی در سالهای اخیر

«فیلم تئاترها» قربانی سلیقه مداری مدیران

آفتاب یزد - گروه فرهنگی: این درست که تلویزیون وظیفه دارد بخشی از خوراک تئاتری جامعه را به واسطه تولید و پخش فیلم تئاترهای جذاب و مفهومی تامین کند اما وقتی در جامعه‌های مانند کشور ما با اینکه بسبب بسیاری از صاحب نظران و مردم عادی همواره درخواست چنین مسئله‌ای را از رسانه ملی شان دارند، صداوسیما کمترین توجهی نمی‌کند و راه خودش را می‌رود نمی‌توان که بی‌خیال این مادیوم خاص که می‌تواند در زمینه زندگی فردی و اجتماعی مردم بسیار گره گشا باشد، شد و گفت: «خب حالا که شرایط اینترنتی، ما فیلم تئاتر تولید نمی‌کنیم و اونو در اختیار مردم قرار نمی‌دیم.» بالاخره پر واضح است که عده قابل توجهی از همین مردم از این راه ارتزاق می‌کنند و به واسطه تولید و پخش فیلم تئاترهای مختلف درآمد کسب می‌کنند و روزگار می‌گذرانند. با این تفسیر می‌توان بیان کرد که فیلم تئاترها علیرغم بی‌توجهی تلویزیون به آنها راه خودشان را ادامه می‌دهند و تولید می‌شوند، چرا که تهیه‌کنندگان اینگونه فیلم‌ها حالا دیگر خوب می‌دانند که تلویزیون تنها محل نمایش آثارشان نیست و آنها می‌توانند از طریق دیگری ارتباط و تعامل خودشان را با مردم برقرار کنند. خاصه از آن زمانی که پلتفرم‌ها وارد زندگی مردم شدند و این امکان را برای کارگردانان و تهیه‌کنندگان نمایش‌های صحنه‌ای فراهم آوردند که اگر هم به فکر تصویربرداری اثر نمایشی شان برای تبدیل آنها به فیلم تئاتر نبودند، این موضوع را در به صحنه بردن نمایش‌هایشان مدنظر قرار دهند چرا که پلتفرم‌ها این امکان را برایشان فراهم آورده بودند. فقط کافی بود نمایش خوب باشد و در آن چند بازیگر چهره هم حضور داشته باشند، حتی اگر چند سال از تولید نمایش هم گذشته باشد باز هم پلتفرم‌ها حاضرند محصول تصویری نمایش را در سامانه‌های خود به معرض دید عموم بگذارند، مثل اتفاقی که این اواخر برای فیلم تئاتر «ولبور تویست» حسین پارسایی رخ داد. گرچه که اگر کارگردانی تجربه کافی در حوزه تئاتر داشته باشد و نمایش هم به لحاظ حضور بازیگر، قصه و شخصیت پردازی و... جذابیت‌های بصری لازم را داشته باشد، می‌داند که در هنگام روی صحنه بردن نمایش باید از تئاتر فیلمبرداری هم بکند تا حداقل اثری تصویری مستندی از نمایشی که روی صحنه برده داشته باشد. این مسئله شامل حال نمایش «ولبور تویست» هم می‌شود، البته که اگر به گذشته رجوع کنیم در می‌یابیم که این موضوع مسبوق به سابقه بوده و در گذشته هم رخ داده است. برای مثال چند سال پیش که نمایش «اعتراف» شهاب حسینی روی صحنه رفت، کارگردان تصمیم گرفت از نمایش خود تصویربرداری نیز بکند و بعدها دیدیم که این فیلم تئاتر هم منتشر شد و علاقه‌مندان که موفق به تماشای این اثر روی صحنه نشده بودند، توانستند فیلم این نمایش را نظاره‌گر باشند. البته که این نمایش تنها فکت ما درباره مسبوق به سابقه بودن تصویربرداری از فیلم تئاترها نبوده و نمایش‌های دیگری نیز شامل این موضوع می‌شدند، نمایش‌هایی که بازیگران مطرحی مانند آتیلا پسیانی، نوید محمدزاده و... در آنها به ایفای نقش پرداخته بودند. اما همین موضوع یک درجه دیگر را به روی ما باز می‌کند، همانطور که مستحضرید ماجرای پلتفرم‌ها و وی او دی‌ها چند سالی است که در فضای مجازی ورود پیدا کرده و در گذشته‌های نه چندان دور این امکان در شبکته نمایش خانگی وجود نداشت، به این مفهوم که اصلا «اکران آنلاین» و موضوعی تحت عنوان «پخش اینترنتی آثار

تصویری» در گذشته نبود که بخواهد این امکان را برای فیلم تئاترها فراهم آورد که آنان بتوانند با استفاده از امکاناتی که این درگاه‌های خروجی برایشان مهیا می‌کردند آثار نمایشی خودشان را به معرض دید مردم بگذارند و از این راه کسب درآمد نمایند، این یعنی اگر در گذشته از یک نمایش صحنه‌ای فیلمبرداری می‌شد، کارگردان و تهیه‌کننده عملاً امکان نمایش آن را نداشتند، چرا که تلویزیون که تکلیف خودش را بیشتر با این آثار روشن کرده بود و پلتفرمی هم وجود نداشت که سازندگان آثار نمایشی بتوانند از طریق آن محصول هنری شان را در معرض دید مخاطبان قرار دهند، پس نتیجه چه می‌شد؟ واضح است که این محصولات باید برای همیشه در کمد باقی می‌ماند، اما واقعا این اتفاق رخ می‌داد؟ تجربه نشان داده که در برخی مواقع چنین اتفاقی رخ نمی‌داد، چرا که پلتفرم‌ها نبودند و حتی اگر تلویزیون برای نمایش فیلم تئاترها همکاری نمی‌کرد، «فضای مجازی» وجود داشت، فضایی که می‌توانست این امکان را برای سازندگان آثار نمایشی تصویری فراهم بیاورد که محصولشان را در اختیار مخاطب قرار دهند، اما مشکل اینجا بود که هنرمندان مایل به رخ دادن چنین اتفاقی نبودند، چرا که منفعتی برایشان نداشت، بالاخره آنها برای تولید این اثر هنری زحمت کشیده بودند و به نحوی می‌خواستند در هنگام ارائه آن به مخاطب درآمد هم کسب کنند، به همین دلیل ترجیح می‌دادند تا زمانی که برایشان منفعت مالی نداشته باشد، فیلم تئاترهايشان همچنان در کمد باقی بماند، اما در نهایت چه می‌شد؟ این فیلم تئاترها به طریقی که ما از آنها بی‌خبریم از داخل کمد خارج می‌شدند و در فضای مجازی قرار می‌گرفتند، بی‌آنکه صاحبانشان در جریان این موضوع قرار داشته باشند، این یعنی «قاجاق محصول فرهنگی»، یعنی عدم رعایت قانون کپی رایت، به خیالتان نمایش‌هایی که در زمان نبود پلتفرم‌ها در فضای مجازی (مانند کانال‌های تلگرامی و سایت‌های دانلود فیلم) قرار می‌گرفتند از چه طریقی به دست مخاطب می‌رسیدند؟ پاسخ بسیار ساده است: «از طریق قاجاق»

آنچه تاکنون بیان کردیم شامل دو بخش بود، اول آن فیلم تئاترهایی که امروزه به طریق قانونی از طریق پلتفرم‌ها در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد و دوم آن فیلم تئاترهایی که از طریق قاجاق در فضای مجازی قرار می‌گرفت؛ حال قصد داریم یک بخش دیگر را نیز به این دو بخش بیفزاییم. بخش سوم شامل فیلم تئاترهایی هستند که امروزه به طریق غیرقانونی در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرند. همین چند روز پیش خبری در همین صفحه منتشر کردیم که حکایت از رخ دادن چنین اتفاقی می‌داد. و اما متن خبر از این قرار بود:

«البور تویست» به اینترنت آمد

فیلم - تئاتر «البور تویست» با گذشت یک ساعت از اکران آنلاین، به صورت غیرقانونی در فضای مجازی منتشر شد. این اثر پرستاره که به کارگردانی حسین پارسایی، در زمستان ۹۶ در تالار وحدت روی صحنه رفته بود، ساعت ۲۰ شامگاه ۲ آذرماه به صورت انحصاری در پلتفرم نماوا به اکران آنلاین رسید، اما نسخه قاجاق آن در ساعت ۲۱ منتشر شد. در ماه‌های اخیر هر فیلمی که به صورت آنلاین اکران شده، پس از گذشت ساعتی از شروع نمایش، به صورت قاجاق به انتشار رسیده است.»

آنچه در داخل گیومه خواندید نه مایه افتخار است و نه مایه بی‌تفاوتی و بی‌توجهی، آنچه خواندید یک جامعه در حوزه هنر است، چرا که از این حقیقت پرتده برمی‌دارد که برخی از افراد، زحمات عده قابل توجهی از فعالان حوزه فرهنگ و هنر را به هیچ می‌انگارند و محصول هنری آنها را به تاراج می‌برند و آن را به صورت رایگان در اختیار مردم قرار می‌دهند. این درست است که از این طریق حداقل همه مردم می‌توانند از یک نمایش صحنه‌ای که فیلمش هم تولید شده لذت ببرند اما زحمت آن عده‌ای که آن نمایش را روی صحنه برده و این فیلم را تولید کرده‌اند چه می‌شود؟ این یعنی تیشنه زدن به ریشه فرهنگ و هنر به لحاظ مالی و مسلمانان اتفاقی مایه افتخار نیست. مایه بی‌توجهی و بی‌تفاوتی هم نمی‌تواند باشد به این منظور که نباید به رخ دادن چنین اتفاقی بی‌توجه بود و آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نداد، اتفاقا بی‌توجهی‌ها و بی‌تفاوتی‌های مکرر باعث رخ دادن چنین اتفاقات شوم فرهنگی شده است. اگر آن زمان که هنرمندان مختلفی مانند داریوش مردیان، هادی مرزبان و... در گفتگوهایشان به کرات درباره تولید و پخش تله تئاترها متنوع از رسانه ملی سخن می‌گفتند و این درخواست جدی را از مسئولان صداوسیما مطرح می‌کردند کسی به حرفهایشان گوش می‌کرد و یاکسی را برای این مسئله در کنداکتور پخش رسانه ملی در نظر می‌گرفت، اکنون شاهد این جامعه فرهنگی و هنری نبودیم، اما بخش غمبار ماجرا اینجاست که حتی الان که آب از آب گذشته و دیگر خیلی سخت می‌توان جلوی ادامه چنین روندی را گرفت باز هم صداوسیما بی‌ها نمی‌خواهند جلوی ضرر را بگیرند، چرا که متأسفانه آنها اصلا با تئاتر و سینما میانه خوبی ندارند و فقط کار خودشان را انجام می‌دهند، حداقل تا پیش از زمانی که رئیس جدید سازمان صداوسیما روی صندلی ریاست این سازمان تکیه بزند، شرایط به این صورت بوده، حال اینکه چرا تئاتر که مادر هنرهای قلمداد می‌شود و از ساخت مقدسی برخوردار است و هنرمندان ارزشمند و نازنینی چون محمود استاد محمد، سعیدی افشار و... را روی صحنه خود داشته اینقدر مورد کم لطفی و به عبارت بهتر بی‌لطفی مسئولان سازمان صداوسیما و دیگر نهادها قرار گرفته، خدا می‌داند. همین دو هنرمند عزیزی که نامشان را در خطوط پیشین آوردیم عمر با ارزش خود را صرف اعتلای هنر تئاتر کردند و تمام آرزویشان این بود که حال تئاتر و فعالیتش خوب باشد و بتوانند مسیر رشد و ترقی را طی کنند. هنوز پادمان نرفته محمود استاد محمد را که در آخرین ماه‌های عمرش با آن حال نزار روی سن آمد و در حالیکه به سختی نفس می‌کشید درباره تئاتر و ارزش واقعی‌اش سخنانی را بیان کرد. حال مایه تأسف و شرمندگی ماست که در روزگار اکنون تئاتر و هنر نمایش در این وضعیت اسفناک قرار گرفته و هنوز که هنوز است مسئولان نمی‌خواهند در راه اعتلای این هنر زنده و متعالی قدم بردارند و گره گشای مشکلاتش باشند، حال خواه این مشکلات در حوزه نمایش‌های روی صحنه باشند، خواه در حوزه نمایش‌هایی که به فیلم تئاتر تبدیل می‌شوند و عاقبتی بجز قاجاق و قرار گرفتن رایگان در فضای مجازی در انتظارشان نیست. با تمام این تفاسیر ما به عنوان اهالی رسانه دل به دل اهالی تئاتر سپرده‌ایم و همچون آنان امید آن داریم که روزگاری فرا برسد که تئاتر هم در شرایط ایده آل و مطلوب قرار بگیرد.

حمیدرضا نعیمی مطرح کرد

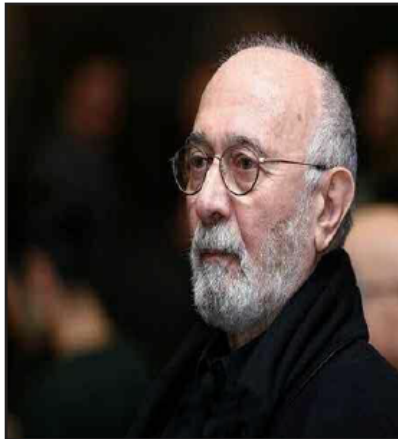
وقت آن رسیده که نگاهمان را به شخصیت‌های جنگی تغییر دهیم

حمیدرضا نعیمی معتقد است: حالا که بیش از سه دهه از جنگ تحمیلی گذشته، شایسته است که رویکرد و نگاهمان را نسبت به موضوعات جنگی و شخصیت‌های آن تغییر دهیم و فقط با یک برداشت یک‌سویه به سمت آن‌ها نرویم. فیلم سینمایی «منصور» به کارگردانی سیاوش سردی و تهیه‌کنندگی جلیل شعبانی از تولیدات جدید سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که از حدود سه هفته پیش اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرده است. این فیلم برشی از زندگی شهید منصور ستاری، فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است؛ فرماندهی که این سمت را از سال ۱۳۴۵ تا زمان شهادت در دی ماه ۱۳۷۳ به عهده داشت و منشأ خدمات فراوانی در نیروی هوایی شد. حمیدرضا نعیمی - یکی از بازیگران فیلم سینمایی «منصور» - درباره تفاوت این فیلم با دیگر آثار دفاع مقدس به ایسنا گفت: در فیلمنامه «منصور» از قهرمان‌گرایی‌های مرسوم در فیلم‌های جنگی خبری نیست. معمولاً در فیلم‌های دفاع مقدس، قهرمان‌ها شخصیت چندلایه‌ای ندارند و اغلب تخت و کلیشه‌ای طراحی می‌شوند. متأسفانه این پرتره‌های حقیق و تاریخی به همین خاطر و افتادن در ورطه شعار، به راحتی از دست می‌روند. وی افزود: سیاوش سردی به عنوان کارگردان، پیش از این فیلم مستندی را درباره شهید ستاری ساخته بود و می‌توان گفت آن درگیری احساسی اولیه با سوژه و شخصیت در او تمام شده بود. او با برخوردی منطقی، عاقلانه، غیراحساسی و البته خلاقانه سعی کرد الگویی جذاب از یک فرمانده دوران دفاع مقدس ارائه دهد. در زمان فیلمبرداری هم این تلاش وجود داشت که کیفیت کار بازیگران به گونه‌ای باشد که شخصیت‌ها و حرف‌هایشان شعاری نشود. او اظهار کرد: شهید ستاری مثل بسیاری از قهرمانان ما در دوران جنگ تحمیلی، پرونده قابل‌دفاع و البته قابل‌نقدی دارد. اما وقتی وارد حوزه فیلم داستانی می‌شویم در ابتدا باید قواعد یک فیلم داستانی را رعایت کنیم. تماشاگر از دیدن کلیشه‌ها و تکرار مکررات راضی نیست. اکنون که بیش از سه دهه از جنگ تحمیلی گذشته و از آن وقایع فاصله گرفته‌ایم، بایسته و شایسته است که رویکرد و نگاهمان را نسبت به موضوعات جنگی و شخصیت‌های آن تغییر دهیم و فقط با یک برداشت یک‌سویه به سمت آن‌ها نرویم. نعیمی که از کارگردان‌های شناخته شده تئاتر نیز است، درباره حضور خودش در این پروژه گفت: من از طریق کیومرث مرادی بازیگردان فیلم «منصور» به عوامل سازنده این فیلم پیوستم؛ پس از مطالعه فیلمنامه، از شکل پرداخت به موضوع و شخصیت حساس و جذاب سرتیپ شهید منصور ستاری لذت بردم و در نهایت در ملاقاتی که با آقای سیاوش سردی نویسنده و کارگردان فیلم داشتم با حس خوشایند و همراه با اعتماد کار را شروع کردیم. با وجود این‌که زمان فیلم‌برداری به دلیل ماهیت فیلم طولانی و سخت شده بود، اما همه اعضای گروه سازنده به دنبال تحقق خواسته‌های کارگردان به نحو احسن بودند. او درباره شخصیتی که در فیلم «منصور» ایفاگر نقش آن بود هم بیان کرد: نقش سرهنگ حیدر صفدری از همکاران نزدیک شهید ستاری را به عهده داشتم. البته ایشان بعدها با درجه سرتیپ دومی بازنشسته شدند. خوشبختانه هنوز هم در قید حیات هستند و در کنار خانواده و در شمال کشور دوران بازنشستگی را سپری می‌کنند. فرصت دیدار یا گفتگو با ایشان برای من فراهم شد و در نتیجه، برای شناخت این شخصیت به متن فیلمنامه و توضیحات آقای سردی

اعتماد کردم. البته مسئله مهم این بود که اطلاعاتم درباره فعالیت‌های خلبان‌ها، شیوه زندگی و شیوه تعامل آنها با همکاران و سربازان و برخی اصطلاحات و اقدامات فنی را افزایش دهم. بخشی از این فرایند از خلال گفت‌وگو با تعدادی از خلبان‌های دوران جنگ و با مطالعه کتاب خاطرات آنها حاصل شد. این مطالعه و جستجو، بخشی از فعالیت من قبل و در حین فیلمبرداری این اثر بود. بازیگر فیلم «منصور» ادامه داد: این شخصیت ویژگی‌هایی دارد که آن را برای مخاطب دلپذیر می‌کند. اول این که یک نیروی متخصص و به‌روز در نیروی هوایی است که به انضباط و سلسله مراتب اهمیت می‌دهد. علاوه بر این، مرد خانواده است و در نهایت فردی است که به اصول مذهبی پایبند است. این سه ویژگی در تمام فیلم جاری است، اما به صورت مشخص در سه سکانس بیشتر دیده می‌شود: سکانسی که سرهنگ صفدری با لباس راحتی مشغول اصلاح صورت خود است، سکانس جمع کردن سجاده‌اش پس از نماز و در نهایت برخورد مهربانانه با پسر نوجوانش که نیمه‌شب از خواب بیدار شده تا در راه به روی تیمسار ستاری باز کند. این سکانس‌ها به ظاهر فرعی به خوبی معرف این شخصیت به عنوان یک نظامی به‌روز، معتقد، خانواده‌دوست و دلسوز است. نعیمی گفت: سرهنگ صفدری یکی از شخصیت‌های کاربلد نیروی هوایی بوده که شاید آن چنان‌که شایسته بوده از توانایی‌های او استفاده نشده؛ در حالی که در عملیات مختلفی از جمله عملیات پیچیده و کم‌نظیر اچ-۳ به عنوان نیروی پشتیبان حضور داشته است. من سعی کردم این شخصیت را به‌دور از اغراق ارائه کنم تا خشک و تخت نباشد یعنی توانایی‌ها و استعدادها را در کنار آن شکنندگی و گاهی عدم اعتماد به نفس و بدبینی در کنار هم گذاشتم. در نهایت با وجود فرمانده بزرگ و لایقی مثل شهید ستاری است که توانایی‌های او متبلور می‌شود. سرهنگ صفدری اگر ریشش را با تیغ می‌زند، اما در جای خود نماز را هم می‌خواند و برای این که امنیت را برای هم‌وطنانش به ارمغان بیاورد از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. این از خواسته‌های نویسنده و کارگردان بود و من هم سعی کردم این را در بازی خودم نشان دهم. وی درباره حضور بازیگران شناخته‌شده‌ای از تئاتر همچون خودش و مهدی کوشکی در نقش‌های اصلی این فیلم نیز گفت: به‌نظر من باید این خط‌کشی بازیگر تئاتر و سینما را کنار بگذاریم. اگر بازیگری توانایی بازی باکیفیت در تئاتر را دارد، به احتمال قریب به یقین بر پرده سینما هم خواهد درخشید. این اتفاقی است که در سال‌های اخیر برای بازیگرانی همچون ستاره سپاسی، رویا افشار و هوتن شکیبا، نوید محمدزاده و... رخ داده است. متأسفانه بسیاری از کارگردانان و دستیاران کارگردان‌های ما برخلاف گذشته کمتر تئاتر می‌بینند و دیگر پیگیر اجراهای تئاتر نیستند، در حالی که استعدادهای بسیار نابی هم در تهران و هم در شهرستان‌ها وجود دارد. نعیمی تصریح کرد: اهمیت فیلم «منصور» صرفاً به خاطر پرداختن هنرمندانه به یک شخصیت تاریخی مثل شهید ستاری نیست. «منصور» فیلمی است قائم به‌ذات و به عنوان یک فیلم فارغ از محتوای ارزشمندش هم اثری قابل‌توجه است. به عنوان یک اثر سینمایی استاندارد، کارگردانی، فیلم‌نامه، تدوین و بازی‌های درخشان دارد. وی در پایان گفت: استقبال خوب مردم از اکران این فیلم، سایر نویسندگان و فیلمسازان ما را تشویق می‌کند که از ساخت چنین آثاری غافل نشوند.



زنگ خطری که پرویز پورحسینی پیش از مرگش به صدا در آورد



کار کردن با بازیگر را بلد باشد. تئاتر امروز جهان را بشناسد و ... هر کسی نمی‌توانست کارگردانی کند. اگر یک جوانی به اصطلاح پرویی می‌کرد و یک متنی را برای اجرا دست می‌گرفت، مورد حمله قرار می‌گرفت. البته این را یادآوری کنم که نمی‌گویم اگر یک نفر بخواهد تجربه کند، بد است ولی اینکه کسی بخواهد از سر تفنن یا برای پول درآوردن یک عده را جمع کند و در نهایت یک کار عبثی را به مخاطب نشان بدهد، خوب نیست و من این کار را نمی‌پسندم.»

او جملات بعدی خود را این گونه ادامه داده بود: «من نمی‌پسندم چون فلان خانم یا فلان آقا پول دارند، اجازه دارند سالن اجاره کنند و تئاتر کار کنند. در حالیکه یک جوان با استعداد که صلاحیت بیشتری هم دارد، فقط چون پول ندارد و نمی‌تواند سالن اجاره کند، نتواند کار کند. به نظر من اگر این مساله ادامه پیدا کند، عواقب بدی در انتظار ما خواهد بود. از طرفی کارگردان‌های شناخته شده مثل دکتر رفیعی یا از میان نسل جوان امروز کسانی مانند حسین کیانی یا محمد یعقوبی به دلیل توانایی‌ها یا تجربه‌هایی که دارند می‌توانند با هر گروه ناشناخته‌ای هم کار کنند ولی اگر هنرپیشه شناخته شده تئاتری که سبقه و تربیت تئاتری دارد هم کنار آنان کار کند مسلماً نتیجه بهتری خواهد داشت. ولی الان کسی که می‌خواهد تئاتر کار کند، به دنبال یک چهره می‌گردد تا بتواند گیشه داشته باشد و اصلاً به کیفیت کار فکر نمی‌کند. کار را هم که می‌بینیم، هیچ تأثیری بر ما نمی‌گذارد و نتیجه معکوسی هم در تئاتر خواهد داشت. به نظر من این برای تئاتر زنگ خطر است. درست مثل زمانی که لاله‌زار از یک تئاتر فرهیخته به آتراکسیون تبدیل شد. یک زمانی در لاله‌زار شاهد اجرای نمایش «بادبزن خانم ویندمریر» یا اجراهایی از میر سیف‌الدین کرمانشاهی، رضا کمال شهزاد، سید علی نصر یا حسن مقدم بودیم و بعد از آن تنها آتراکسیون بود که آنجا اجرا می‌شد. می‌دانید این اتفاق باعث شد تئاترهای اندیشمند و تئاترهایی که حرفی برای گفتن داشتند، کنار زده شوند و

اسرار - یک سال پیش دوستداران پرویز پورحسینی، خبر درگذشت او را با ناباوری و بی‌تذوقی شنیدند. آنان امید بسته بودند که بازیگر محبوب‌شان می‌تواند کرونا را به زمین بزند ولی این ویروس نفرت‌انگیز امید آنان را به باد داد و جامعه هنری را بار دیگر به سوگ نشاند.

حالا یک سال از آن جمعه غم‌انگیز می‌گذرد. یک سالی که بر تئاتر هم سخت گذشت. در این مدت هنرمندان زیادی بابت آینده نامعلوم این هنر در جهان بعد از کرونا ابراز نگرانی کرده‌اند.

این دلشوره‌ها البته دلواپسی‌های قبلی را هم یادآوری می‌کند. همچنانکه پرویز پورحسینی هم سال‌ها پیش زنگ خطری جدی را برای تئاتر پیش‌بینی کرده بود و به نظر می‌رسد این زنگ خطر مدتی است به صدا در آمده است.

ما به انگیزه اولین سالروز درگذشت این هنرمند، بخشی از نگرانی و دلواپسی او را درباره تئاتر مرور می‌کنیم.

او در گفتگوی خود با منصور خلیج که در مجموعه کتاب‌های ماندگاران صحنه منتشر شده است، گفته بود: به هنگام دیدن یک تئاتر یا فیلم، به دنبال این هستم که با من چه کرده است و چه تأثیری روی من تماشاگر گذاشته است. اینجا خودم را به عنوان تماشاگر معمولی در نظر می‌گیرم که می‌خواهد تئاتر ببیند. می‌دانم به هر حال یکسری چیزها با من هست ولی سعی می‌کنم مثل یک تماشاگر معمولی، یک مخاطب عادی تئاتر ببینم. اینجاست که می‌توانم بگویم کار خوب بوده یا نه.»

او در ادامه بحث مهمی را مطرح می‌کند؛ صلاحیت کارگردانی که این روزها یکی از موضوعات مهم در تئاتر است: «قدیم‌ها هر کسی دست به کارگردانی نمی‌زد. زمانی که ما دانشکده می‌رفتیم کسی که با سواد بود یا به قولی جسارت می‌کرد، وارد این حیطه می‌شد. ما برای کارگردانی مرتبت بالایی قائل بودیم. یعنی باور داشتیم که کارگردان باید یک دنیای دیگری با خودش داشته باشد. خیلی باسواد باشد. تجربه داشته باشد.

تماشاگر خود را از دست بدهند. در واقع آتراکسیون باعث شد سلیقه مخاطب نزول کند. خدا کند این اتفاق یک بار دیگر پیش نیاید و تئاتر ما با این مساله مواجه نشود.»

پورحسینی در این گفتگو از تئاترهای لاکچری هم سخن گفته بود؛ تئاترهایی که البته نمی‌دید و معتقد بود چندان هم پر شمار نیستند. اما باور داشت باید دلیل استقبال احتمالی مردم را از این تئاترها ریشه‌یابی کنیم و خودش حدس می‌زد این اتفاق به دلیل خستگی مردم است: «مردم خسته‌اند و از نظر روحی نیاز به تفریح و تنفس دارند. در شرایط حاضر تلویزیون این جواب را به آنها نمی‌دهد. برای همین یا به ماهواره روی می‌آورند یا به دنبال تئاترها یا فیلم‌هایی هستند که چنین فضاهایی داشته باشند. به نظر من به جای اینکه بخواهیم سلیقه آنان را نقد کنیم باید این علت‌ها را بررسی کنیم و ببینیم چرا مردم به دنبال این نوع کارها می‌روند و نباید به آنها انگ لپین بودن بزنیم. به نظر من اگر خیر مملکت را می‌خواهیم اجازه بدهیم سلیقه مختلف بهتر کار کنند و ما هم به آنها کمک کنیم.»

چند سالی از این گفتگو می‌گذرد و حالا سال‌هایی به مراتب دشوارتر برای تئاتر و فعالان آن رقم خورده است و اینجاست که تنها دلخوشی این است خوب شد هنرمندانی مانند پرویز پورحسینی که پرورش یافته دوره طلایی تئاتر بودند، این روزهای دشوار را ندیدند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

جشنواره های فجر پر رونق تر برگزار می شود



ویژه موضوع آماده سازی مقدمات برگزاری جشنواره های فرهنگی و هنری فجر را آغاز کرده و شبانه روزی کار می کنند. اسماعیلی در عین حال گفت: فضای موجود را فضای خیلی خوب می بینم که با مجموعه اقدامات صورت گرفته و مستمر انشالله جشنواره های فجر امسال پر رونق تر از هر سال برگزار خواهد شد. عضو کابینه دولت سیزدهم به سیاستها و اولویتهای دولت سیزدهم در عرصه فرهنگ و هنر اشاره کرد و اظهار داشت: سیاستها و اهداف فرهنگی این دولت مردمی در این دوره روشن و فراگیر است لذا با بکارگیری همه ظرفیتهای علاوه بر رفع برخی مشکلات تلاش خواهیم کرد تا تمامی جشنوارهها از لحاظ کمیت و کیفیت با رشد قابل توجهی همراه شود تا از این طریق بتوانیم به پیشبرد سیاستها و اهداف دولت سیزدهم کمک کنیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به شرایط ناشی از شیوع بیماری کرونا و اثر آن بر حوزههای مختلف فرهنگ و هنر، از آمادگی لازم این وزارتخانه برای برگزاری باشکوهتر و پر رونق تر جشنواره های فجر امسال خبر داد.

محمد مهدی اسماعیلی در گفتوگو با ایرنا با تشریح آخرین وضعیت جشنواره های فرهنگی و هنری فجر، اظهار داشت: همزمان با فرارسیدن چهل و سومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۴۰۰ جشنواره های فجر نیز همزمان با جشن های انقلاب اسلامی در سراسر کشور آغاز و پیگیری خواهند شد. ادامه داد: جشنواره های مختلف فجر شامل موسیقی، تئاتر، فیلم، هنرهای تجسمی، مد و لباس (عفاف و حجاب)، شعر، همه ساله با آغاز بهمن ماه با حضور هنرمندان کشورهای مختلف به صورت بین المللی با ارسال آثار متنوع خود برگزار و در پایان نیز برترین ها معرفی و تقدیر می شوند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی یادآور شد: به دلیل ضرورت مراقبت های عمومی در شرایط همه گیری ویروس کرونا، این دوره جشنواره های فرهنگی و هنری فجر نیز بر پایه دستورالعمل های ستاد ملی مقابله با کرونا، برنامه ریزی و اجرا خواهند شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد: تقریباً در همه بخشها این آمادگی به وجود آمده که تمام جشنواره ها در موعد مقرر و با بکارگیری همه ظرفیتهای برگزار شوند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه به انتصابات صورت گرفته در این دوره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت سیزدهم در معاونت ها و بخش های مختلف اشاره کرد و گفت: خوشبختانه مسئولان منصوب شده با فاصله با جدیت فعالیت به

«جشنواره سراسری سرود و آهنگهای انقلابی» شکل گرفت و اولین دوره آن با شرکت ۲۰ گروه در تهران برگزار شد. پس از چهار سال یعنی در سال ۱۳۶۸ دوره پنجم آن با طراحی آرم و نشانه و نماد و با عنوان «پنجمین جشنواره موسیقی فجر» ادامه یافت. سی و ششمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر ۲۸ بهمن تا ۴ اسفند ۱۳۹۹ برگزار شد. جشنواره بین المللی شعر فجر یکی از مهم ترین جشنواره های ادبی و بزرگترین جایزه شعر در ایران است که از سال ۱۳۸۵ زمستان هر سال برگزار می شود.

تاکنون پانزده دوره از این جشنواره برگزار شده و طی هفته های گذشته فراخوان شانزدهمین دوره این رویداد بزرگ فرهنگی بین المللی نیز منتشر شده است. جشنواره بین المللی تئاتر فجر از مهم ترین جشنواره های تئاتر در ایران است که هر ساله در دهه فجر در ماه بهمن برگزار می شود. این جشنواره اغلب رقابتی بوده و دارای بخش های گوناگونی مانند بخش نمایش صحنه ای، بخش بین الملل، بخش نمایش های رادیویی، و بخش نمایش خیابانی است. تاکنون ۳۹ دوره از این جشنواره برگزار شده است که آخرین آن در بهمن ۱۳۹۹ بوده است.

جشنواره بین المللی مد و پوشاک فجر نیز طراحان مد و پوشاک را گرد هم می آورد. دهمین دوره این رویداد اسفندماه ۱۳۹۹ برگزار شد. جشنواره هنرهای تجسمی فجر همه ساله در بهمن ماه در تهران و استان های کشور در بخشها و رشته های مختلف تصویرسازی - خوشنویسی - سرامیک - عکاسی - کارتونی و کاریکاتور - طراحی گرافیک - مجسمه - نقاشی - نگارگری و هنرهای جدید برگزار می شود. سیزدهمین دوره این رویداد زمستان سال گذشته برگزار شد.



شایان بابایی

نگاهی به نمایش «سنتر»، کاری از علیرضا اخوان در سالن مولوی کوچک دگر دیسی ثنویت متنافر

رضایه یکهام

چگالی تفسیر بی‌اتمسفر نمایش‌های صامت همواره مخاطب را بر پیمایش سایه‌های بلندی از ذهنیت پنداری قرار می‌دهد. اتفاقی که در تئاتر «سنتر» به کارگردانی «علیرضا اخوان» شاهدش هستیم. هر آنچه در فرآیند تولید تئاتر از آنتی‌تئاتر فراوان ضلع سوم، نمایش (مخاطب) را به سنترهای مشابهی منتج می‌کند، رویدادهایی با تاکید بر تکرار حلقه‌های متناظر را در فرمی هندسی محتوم فرو می‌برد. واژه فعل مند «قرباتی» که می‌توان آن را به «قرباتی کردن» یا «قرباتی شدن» نیز تعمیم داد همواره با خوانش‌هایی از ادیان الهی عجین بوده است. قصه «اسحاق و ابراهیم» در خوانش مسیحی-عبری و «اسماعیل و ابراهیم» در خوانش اسلامی همواره بر اساس پیرنگ بیرونی و عملگرایی قرباتی کردن (شدن) به مضمون «امتحان الهی» الصاق شده است. اما آیا در تمام این فعلیت به غایت بی‌پروا که همواره فعلیت مدنظر اصلی در اعصار مختلف بوده است، سویی روانشناختی مبتنی بر خشم و تحمل از سوی مفعول در بخش تاریک جهان علت و معلولی قرار گرفته است؟ خوانش نیزگان فلسفه نظیر آگوستین، سورن کی‌یر کگور، هابز و کانت در این وادی خالی از لطف نیست.

نقشی به قصه تاریخی می‌نویسم تا اندکی رخداد فعل مذکور را مورد توجه قرار دهیم: «ابراهیم اسحاق را در جوانی به کوه موریا برد تا به دستور خداوند قربانگانه بسازد او را قربانی کند؛ چون اسحاق فرزند مورد علاقه او بود. اگرچه کتاب مقدس سخن اسحاق را مشخص نکرده است، مسلمانان و به اندازهای بزرگ شده بود که معنای قرباتی شدن را بیابند. اسحاق هیزم‌های مورد نیاز برای قربانگانه را مشخصا حمل کرد، چون قربانگانه آماده شد. اسحاق از ابراهیم پرسید: «بره قربانی کجاست؟»

و ابراهیم پاسخ داد: «خدا بره قربانی خود را آماده خواهد کرد.» در کتاب مقدس آمده است که «هر دو با هم راه می‌رفتند» و اسحاق ساکت بود که به معنای تسلیم او در برابر خواست خدا بود. زمانی که ابراهیم فرزندش را به قربانگانه بست و چاقو را برای کشتن او بیرون آورد، در آخرین لحظه فرشته‌ای از جانب خداوند ظاهر شد و او را از این کار بازداشت. در عوض، از او خواست قوچی را قربانی کند که در آن نزدیکی بود. اگر چه امر فدایی کردن از ریشه امتحان ابراهیمی نشأت می‌گیرد و در کتب مقدس و برخی اندیشمندان

نمایش «سنتر» با نگاهی انتقادی به امر قرباتی کردن (شدن)، آن را با زبانی سوررئال در قامت کابوسی محقق شده برای مخاطبش به زبان تفسیری روز باز نمایشی می‌کند. نمادشناسی آکسسوارهای صحنه اعم از کلاهخودهای سبز رنگ، عروسک سخنگو، رادیو، میز و صندلی‌های آغشته به خون هر یک بخشی از وظیفه روایت سنتر است. رابه عهده می‌گیرند. به طور مثال رادیو حفظ ریتم و آشوب صحنه را از منظر صوتی بر عهده دارد. کلاهخودهای سبز به وجه جدال آیینی بودن مناسک نامبرده دامن زده و میز و صندلی‌های آغشته به خود بر جفیه سوررئال نمایش و نوار تسلسلی وقایع با تاکید بر امری تاریخ‌مند از یک سو و تکرار رویدادهای عصر حاضر در سوی دیگر و نماد عروسک نیز به او ان معصومیت و جنسیت‌زدایی در فرزندخواند پهلومی می‌زند، اگر چه که مبحث نمادین آخر (عروسک) تاحدی از جنسی نامتجانس جدا مانده از نمایش است و بر بافت اثر نمی‌نشیند.

بر مضمون «ایمان» آن والا مقام دلالت دارد، اما در لحظات قرباتی کردن در قربانگانه چه بر روان شخصیت اسحاق گذشته است؟ ریشه ایثار در او (اسحاق) به سبب مفعولیت در امر قرباتی شدن از چه درجه اهمیتی جز می‌یابد در سستی پر داخته نشده است. روندی که «مانوئل کانت» فیلسوف آلمانی آن را به باد انتقاد می‌گیرد، وی صراحتاً ابراهیم را به دلیل تلاش برای کشتن اسحاق محکوم می‌کند: «حتی اگر خدا واقعا با انسانی صحبت کند، آن انسان به‌طور قطع نمی‌تواند مطمئن باشد که صدا از جانب خداست؛ اما در برخی موارد، انسان می‌تواند مطمئن باشد که صدا از جانب خدا نیست؛ مثلاً اگر صدا از او خواهد کاری برخلاف قوانین اخلاقی انجام دهد، او (انسان) باید این را توهم خودش بداند. ابراهیم باید به این صدای مثالی پاسخ می‌داد اینکه من پس عزیزم را نخواهم کشت، قطعی است اما اینکه تو خدایی قطعی نیست.»

تمام خوانش‌ها از صدر اسلام، مسیحیت و یهودیت همواره به دوره کلاسیک عصر خود باز می‌گردد، اما در روایت مدرن و در گامی فراتر در پسماند رنیت تئاتر اگر قرار باشد این شیبه‌سازی فعلی به وقوع بپیوندد، التقاط حاصل به کدامین سویه استوار است؟ نمایش «سنتر» با نگاهی انتقادی به امر قرباتی کردن (شدن)، آن را با زبانی سوررئال در قامت کابوسی محقق شده برای مخاطبش به زبان تفسیری روز باز نمایشی می‌کند. نمادشناسی آکسسوارهای صحنه اعم از کلاهخودهای سبز رنگ، عروسک سخنگو، رادیو، میز و صندلی‌های آغشته به خون هر یک بخشی از وظیفه روایت سنتر است. رابه عهده می‌گیرند. به‌طور مثال رادیو حفظ ریتم و آشوب صحنه را از منظر صوتی بر عهده دارد. کلاهخودهای سبز به وجه جدال آیینی بودن مناسک نامبرده دامن زده و میز و صندلی‌های آغشته به خود

جنبه سوررئال نمایش و نوار تسلسلی وقایع با تاکید بر امری تاریخ‌مند از یک سو و تکرار رویدادهای عصر حاضر در سوی دیگر و نماد عروسک نیز به او ان معصومیت و جنسیت‌زدایی در فرزندخواند پهلومی می‌زند، اگر چه مبحث نمادین آخر (عروسک) تاحدی از جنسی نامتجانس و جدا مانده از نمایش است و بر بافت اثر نمی‌نشیند. پس از دول پندر و پسری و آنتر تاتو شدن سویی‌های فعلیت در نقطه عطف خارجی قتل پدر به دست پسر، رویا در روایتی در گرفته است تا فرسویه ذهنی «Mental» بودن پیرنگ بیرونی در عطف با پیرنگ درونی به صورت نسبی به تاویلی متعامد نزدیک شود. روح پدری که از برزخ بازگشته تا با جسم پسر به تعادلی کنش-واکنش بر اساس کشمکش موجود دست یابد. کارگردان با تاکید بر جنبه روانشناختی اثرش بر زائر سایکو درامی نزدیک می‌شود تا با تعویض قطبیت‌های عامل، فاعل را در جایگاه مفعول قرار داده که در عصر حاضر به حق خواهی مدفون در طول تاریخ بنشیند. اگر در دل تاریخ ابراهیم اسحاق را قربانی کرده حال اگر اسحاق نوعی پدر را به مسلخ ببرد چه روی می‌دهد؟ آیا واکنش فرزند بر اثر سو معصوم صرف (که در نمایش می‌بینیم) اورا اسیر توهمی سنگین کرده است؟

نمایش، مخاطب را در راس سوم مثلث مفروض به جایگاه قضاوت نزدیک می‌کند تا با در نور دیدن مرزهای زمانی، افسانه قدیمی را در زمان حال به ترجمان بنشیند. حتی با تبدیل واژگان «امتحان و ایمان» به «آرمان محض» بر اساس خوانشی کمونیستی می‌توان پدر را سخنی را بر اساس خرده پیرنگی مرتبط تجسم کرد که او جان فرزندش را بر سر راه آرمانش قرار داده است و در آینه روبه‌رو، تقابل فکری فرزند بر اساس مکافات عمل به واکنشی مشابه دست می‌زند تا تضاد فکری القا شده از والد-فرزند به فاصله‌مندی نسل هانمود پیدا کند. به هر حال تفسیر متعدد و نسبی خواننده بود تا بر اساس تزیینات حاصل و آنتی تزیینات مقابل به سنترتی جدید دست یابیم، اتفاقی که کارگردان با ظرافتی معانگرا نام نمایش را نیز بر همین اساس انتخاب کرده است: سنتر.

تولید ضرب‌بندگ بر پایه اتمسفر سکوت و خشونت حاصل از صحنه‌های کشمکش نمایش، «سنتر» را به اثری ریتیمیک بدل می‌کند. طراحی صحنه مینیمال «اخوان» مانند تجربه قبلی «بر شلوار پوش» توجه مخاطب را به بازی‌های حسنی و فیزیکال از دور راس یک مثلث جلب می‌کند تا به عنوان راس سوم ناظر بر سیاه‌چاله تاریک و روانشناختی قرن حاضر بیندیشد. خالی بودن باسند صوتی نمایش از زبان آشنایی و دیالوگ‌های دو-دویی بازیگران تمرکز مخاطب را به اکت‌های بدنی، صداهای محیطی و آکسسوارها محدود می‌کند تا راه برای تصویرسازی ذهنی بیننده باز بماند. کارگردان با عساری کردن دیالوگ از دهان بازیگران (که خود یکی از بازیگران صحنه است) فاصله‌گذاری بینامتنی را با مخاطب از بین برده تا در لحظه به شاهدهی نزدیک و ناظر بدل شود. با سلب قوه تعقل در لحظه وقوع کنش‌ها، مخاطب خود را در میانه درام گرفتار می‌بیند تا با یکی از طرفین درگیر همذات‌پنداری کند.

آیا با خوانشی مدرن می‌توان به جنبه رادیکنال کانت آلمانی نزدیک شد؟ تا شنیدن اصوات و فرامین در زمان حال را به اسکیز و تئود بودن پدر نسبت دهیم؟ نسبت «واقعیت» و «بوهه» در ابعادی متناظر، خود را به کام خواب بودن و خواب دیدن برای مخاطبش برده تا او این مرز را با سبسته ذهنی-حسی به حدس و گمان وارد. تئاتر پیش روی با ستمساک به بست مدرنیته‌ای که از ادوات صحنه وام می‌گیرد، روایت را به بازی با تبدیل می‌کند تا برداشت‌های نسبی هر مخاطب بر اساس ذهنیت، ایدئولوژی و فرآیند فکری خودش تسامحی آزاد برای محتوا-فرم محصول شده به ارمان آورد.

به بهانه سالگرد گذشت هنرمندی یگانه

زنگ خطری که پرویز پور حسینی به صدادر آورد



کنیم. چندسالی از این گفتوگومی گذرد و حالا سالهایی به مراتب دشوارتر برای تئاتر و فعالان آن رقم خورده است و اینجاست که تنها دلخوشی این است خوب شدن هنرمندانی مانند پرویز پور حسینی که پرورش یافته دوره طلایی تئاتر بودند. این روزهای دشوار را ندیدند. روز هفتم آذر ماه سال ۱۳۹۹ که این بازیگر نمایشی برای همیشه از دنیا رفت، دوستدارانش به این چیزها فکر نمی کردند. آنان به خاطرات خوشی می اندیشیدند که او برای شان رقم زده بود چه آن زمان که در هیات نقشی منفی مانند دکتر فاستوس ظاهر می شد و چه در قامت نقشی مثبت مانند «جلال» مجموعه «اولین شب آرامش». پرویز پور حسینی در هفتاد و نه سالگی همچنان دوست داشت فرستی برایش پیش بیاید تا بار دیگر روی صحنه برود و کارنامه پر بار خود را که همکاری با کارگردانی همچون حمید سمسردان، علی رفیعی، بهرام بیضایی، آری اوانسیان، بیژن مفید، دارپوش فرهنگ، رکن الدین خسروی، پری صابری و... البته پیتر بروک در آن به نسبت رسیده بود، سرشارتر کند. کرونا مامهلتش نداد و او را به قطعه هنرمندان بهشت زهرا روانه کرد تا به جمع همکاران سفر کرده اش پیوندد.

آن تنها آثر اکسیون بود که آنجا اجرا می شد. می دانید این اتفاق باعث شد تئاترهای اندیشمند و تئاترهایی که حرفی برای گفتن داشتند، کنار زده شوند و تماشاگر خود را از دست بدهند. در واقع آثر اکسیون باعث شد سلیقه مخاطب نزول کند. خدا کند این اتفاق یک بار دیگر پیش نیاید و تئاتر ما با این مساله مواجه نشود. پور حسینی در این گفتوگواز تئاترهای لاکچری هم سخن گفته بود. تئاترهایی که البته نمی دید و معتقد بود چندان هم پر شمار نیستند. اما باور داشت باید دلیل استقبال احتمالی مردم را از این تئاترها ریشه یابی کنیم و خودش حدس می زد این اتفاق به دلیل خستگی مردم است. «مردم خسته اند و از نظر روحی نیاز به تفریح و تنفس دارند. در شرایط حاضر تلویزیون این جواب را به آنها نمی دهد. برای همین بایه ماهواره روی می آورند. بایه دنبال تئاترهای فیلمهایی هستند که چنین فضاهایی داشته باشند. به نظر من به جای اینکه بخواهیم سلیقه آنان را نقد کنیم باید این علتها را بررسی کنیم و ببینیم چرا مردم دنبال این نوع کارها می روند و نباید به آنها انگ لمان بود. برتیم به نظر من اگر خیر مملکت را می خواهیم اجازه دهیم سلیقه مختلف بهتر کار کنند و ما هم به آنها کمک

داشته باشد خیلی باسواد باشد. تجربه داشته باشد. کار کردن با بازیگر را بلد باشد. تئاتر امروز جهان را بشناسد و... هر کسی نمی توانست کارگردانی کند. اگر یک جوانی به اصطلاح پرویی می کرد و یک متنی را برای اجرا دست می گرفت، مورد هجومه قرار می گرفت. البته این را یادآوری کنم که نمی گویم اگر یک نفر بخواهد تجربه کند، بداست ولی اینکه کسی بخواهد از سر تفتن یا برای پول در آوردن یک عده را جمع کند و در نهایت یک کار عبثی را به مخاطب نشان بدهد، خوب نیست و من این کار را نمی پسندم.

او جملات بعدی خود را این گونه ادامه داده بود: «من نمی پسندم چون فلان خاتم یا فلان آقا پول دارند، اجازه دارند سالان اجازه کرده و تئاتر کار کنند. در حالی که یک جوان با استعداد که صلاحیت بیشتری هم دارد، فقط چون پول ندارد و نمی تواند سالان اجازه کند، نتواند کار کند. به نظر من اگر این مساله ادامه پیدا کند، عواقب بدی در انتظار ما خواهد بود. از طرفی کارگردانهای شناخته شده مثل دکتر رفیعی یا میان نسل جوان امروز کسانی مانند حسین کبانی یا محمد یعقوبی به دلیل تواناییها با تجربههایی که دارند، می توانند با هر گروه ناشناخته ای هم کار کنند ولی اگر هنر پیشه شناخته شده تئاتری که سابقه و تربیت تئاتری دارد هم کنار آنان کار کند مسلماً نتیجه بهتری خواهد داشت. ولی الان کسی که می خواهد تئاتر کار کند، به دنبال یک چهره می گردد تا بتواند گنبد داشته باشد و اصلاً به کیفیت کار فکر نمی کند. کار را هم که می بینیم هیچ تأثیری برمانی گذار و نتیجه معکوسی هم در تئاتر خواهد داشت. به نظر من این برای تئاتر زنگ خطر است. درست مثل زمانی که لاله زار از یک تئاتر فریخته به آثر اکسیون تبدیل شد. یک زمانی در لاله زار شاهد اجرای نمایش «بادبزن خاتم و بندر میر» یا اجراهایی از میر سیفالدین کرمانشاهی، رضا کمال شهرزاد، سید علی نصر یا حسن مقدم بودیم و بعد از

یکسال پیش دوستداران پرویز پور حسینی، خبر درگذشت او را با ناباوری و بهت زدگی شنیدند. آنان امید بسته بودند که بار دیگر محبوب شان می تواند کرونا را به زمین بزند ولی این ویروس نفرت انگیز امید آنان را به باد داد و جامعه هنری را بار دیگر به سوگ نشاند. حالا یکسال از آن جمعه غم انگیز می گذرد. یکسال که بر تئاتر هم سخت گذشت. در این مدت هنرمندان زیادی بابت آینده نامعلوم این هنر در جهان بعد از کرونا ابراز نگرانی کرده اند. این دشوورها البته دلواپسیهای قبلی را هم یادآوری می کند. همچنانکه پرویز پور حسینی هم سالها پیش زنگ خطری جدی را برای تئاتر پیش بینی کرده بود و به نظر می رسد این زنگ خطر مدتی است به صدادر آمده است. ایستایه انگیزه اولین سالروز درگذشت این هنرمند، بخشی از نگرانی و دلواپسی او را در باره تئاتر مرور کرده است. او در گفتوگوی خود با منصور خلیج که در مجموعه کتابهای ماندگار آن صحنه منتشر شده است، گفته بود: «به هنگام دیدن یک تئاتر یا فیلم، به دنبال این هستم که با من چه کرده است و چه تأثیری روی من تماشاکر گذاشته است. اینجا خودم را به عنوان تماشاگر معمولی در نظر می گیرم که می خواهد تئاتر ببیند. می دلم به هر حال یک سری چیزها با من هست ولی سعی می کنم مثل یک تماشاگر معمولی، یک مخاطب عادی تئاتر ببینم. اینجا است که می توانم بگویم کار خوب بوده یا نه». او در ادامه بحث مهمی را مطرح می کند: صلاحیت کارگردانی که این روزها یکی از موضوعات مهم در تئاتر است: «قدیمها هر کسی دست به کارگردانی نمی زد. زمانی که ما دانشکده می رفتیم کسی که باسواد بود یا به قولی جسارت می کرد، وارد این حیطه می شد. ما برای کارگردانی مرتب بالای فائل بودیم یعنی باور داشتیم که کارگردان باید یک دنیای دیگری یا خودش

پاریس در میانه ایرانشهر

ایوب آقاخانی از اجرای نمایش «سه‌گانه پاریسی» در تماشاخانه ایرانشهر خبر داده است. این کارگردان قرار است بعد از ۲ سال انتظار از ۱۸ آذر ماه این نمایش را در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر به صحنه برد. او گفته با توجه به ناگهانی بودن اجرا، این نمایش را با بازی خودش و وحید نفر روی صحنه می‌برد. وحید نفر در اجرای پیشین آقاخانی در ایرانشهر که اقتباسی از «گره روی شیروانی داغ» تنسی ویلیامز بود نیز حضور داشت.

به گفته آقاخانی متن «سه‌گانه پاریسی» اقتباسی از اثری فرانسوی است. این نمایشنامه پیشتر نیز منتشر شده بود. آقاخانی همچنین اجرای نمایش «مکاشفه شب یلدا» را در تالار مولوی روی صحنه دارد که محصول حضور چند دانشجو است. وی گفته این نمایش در ادامه همکاری با هلن بهرامی در مقام نویسنده و تمرین و آماده‌سازی نمایش با ۱۵ نفر از ۱۸ هنر جو است.

وی مدعی شده است «آنچه روی صحنه می‌رود آینه تمام‌نمایی از سلوک معلمی من در تئاتر است؛ چون این بچه‌ها از من چگونه به درام نگاه کردن، نمایشنامه نوشتن، بازی کردن، اخلاق داشتن و با یکدیگر تعامل داشتن در تئاتر، پای تعهد ایستادن و حتی روی صحنه راه رفتن را آموختند.» «مکاشفه شب یلدا» از سوم آذر تا ۱۸ آذر ماه ساعت ۱۷:۱۵ در سالن اصلی تالار مولوی به صحنه می‌رود.



زنگ خطری که پرویز پورحسینی پیش از مرگش به صدا درآورد

یک سال پیش دوستداران پرویز پورحسینی، خبر درگذشت او را با ناباوری و بهت زدگی شنیدند. آنان امید بسته بودند که بازیگر محبوبشان می تواند کرونا را به زمین بزند ولی این ویروس نفرت انگیز امید آنان را به باد داد و جامعه هنری را بار دیگر به سوگ نشاند.

به گزارش ایسنا، حالا یک سال از آن جمعه غم انگیز می گذرد. یک سالی که بر تئاتر هم سخت گذشت. در این مدت هنرمندان زیادی بابت آینده نامعلوم این هنر در جهان بعد از کرونا ابراز نگرانی کرده اند. این دلشوره ها البته دلواپسی های قبلی را هم یادآوری می کند. همچنانکه پرویز پورحسینی هم سال ها پیش زنگ خطری جدی را برای تئاتر پیش بینی کرده بود و به نظر می رسد این زنگ خطر مدتی است به صدا درآمده است. او در گفتگوی خود با منصور خلج که در مجموعه کتاب های ماندگاران صحنه منتشر شده است، گفته بود: به هنگام دیدن یک تئاتر یا فیلم، به دنبال این هستم که با من چه کرده است و چه تاثیری روی من تماشگر



گذاشته است. اینجا خودم را به عنوان تماشاگر معمولی در نظر می گیرم که می خواهد تئاتر ببیند. می دانم به هر حال یکسری چیزها با من هست ولی سعی می کنم مثل یک تماشاگر معمولی، یک مخاطب عادی تئاتر ببینم. اینجا است که می توانم بگویم کار خوب بوده یا نه.» او در ادامه بحث مهمی را مطرح می کند؛ صلاحیت کارگردانی که این روزها یکی از موضوعات مهم در تئاتر است: «قدیم ها هر کسی دست به کارگردانی نمی زد. زمانی که مادانشکده می رفتیم کسی که با سواد بود یا به قولی جسارت می کرد، وارد این حیطه می شد. ما برای کارگردانی مرتب بالای قائل بودیم. یعنی باور داشتیم که کارگردان باید یک دنیای دیگری با

خودش داشته باشد. خیلی باسواد باشد. تجربه داشته باشد. کار کردن با بازیگر را بلد باشد. تئاتر امروز جهان را بشناسد و ... هر کسی نمی توانست کارگردانی کند. اگر یک جوانی به اصطلاح پررویی می کرد و یک متنی را برای اجرا دست می گرفت، مورد هجمه قرار می گرفت. البته این را یادآوری کنم که نمی گویم اگر یک نفر بخواهد تجربه کند، بد است ولی اینکه کسی بخواهد از سر تفنن یا برای پول درآوردن یک عده را جمع کند و در نهایت یک کار عبثی را به مخاطب نشان بدهد، خوب نیست و من این کار را نمی پسندم.» او جملات بعدی خود را این گونه ادامه داده بود: «من نمی پسندم چون فلان خانم یا فلان آقا پول دارند، اجازه دارند سالن اجاره کنند و تئاتر کار کنند. در حالیکه یک جوان با استعداد که صلاحیت بیشتری هم دارد، فقط چون پول ندارد و نمی تواند سالن اجاره کند، نتواند کار کند. به نظر من اگر این مساله ادامه پیدا کند، عواقب بدی در انتظار ما خواهد بود. ولی الان کسی که می خواهد تئاتر کار کند، به دنبال یک چهره می گردد تا بتواند گیشه داشته باشد و اصلا به کیفیت کار فکر نمی کند. کار را هم که می بینیم، هیچ تاثیری بر ما نمی گذارد و نتیجه معکوسی هم در تئاتر خواهد داشت. به نظر من این برای تئاتر زنگ خطر است.

زنگ خطری که پرویز پورحسینی پیش از مرگش به صدا درآورد



می روند و نباید به آنها انگ لاین بودن بزنیم. به نظر من اگر خیر مملکت را می خواهیم اجازه بدهیم سبلاقی مختلف بهتر کار کنند و ما هم به آنها کمک کنیم.»

چند سالی از این گفتگو می گذرد و حالا سالیانی به مراتب دشوارتر برای تئاتر و فعالان آن رقم خورده است و اینجاست که تنها دلخوشی این است خوب شد هنرمندانی مانند پرویز پورحسینی که پرورش یافته دوره طلایی تئاتر بودند، این روزهای دشوار را ندیدند.

روز هفتم آذر ماه سال ۱۳۹۹ که این بازیگر تماشایی برای همیشه از دنیا رفت، دوستدارانش به این چیزها فکر نمی کردند. آنان به خاطرات خوشی می اندیشیدند که او برایشان رقم زده بود چه آن زمان که در هیات نقشی منفی مانند دکتر فاستوس ظاهر می شد و چه در قامت نقشی مثبت مانند «جلال» مجموعه «اولین شب آرامش».

پرویز پورحسینی در هفتاد و نه سالگی همچنان دوست داشت فرصتی برایش پیش بیاید تا بار دیگر روی صحنه برود و کارنامه پر بار خود را که همکاری بسا کارگردانی همچون حمید سمنندریان، علی ربیعی، بهرام بیضایی، آری اوآنسیان، بیژن مفید، داریوش فرهنگ، رکن الدین خسروی، پری صابری و... البته پیتر بروک در آن به ثبت رسیده بود، سرشارتر کند. کرونا اما مهلتش نداد و او را به قطعه هنرمندان بهشت زهرا روانه کرد تا به جمع همکاران سفر کرده اش بپیوندد.

عیشی را به مخاطب نشان بدهد، خوب نیست و من این کار را نمی پسندم.» او جملات بعدی خود را این گونه ادامه داده بود: «من نمی پسندم چون فلان خانم یا فلان آقا پول دارند، اجازه دارند سالن اجاره کنند و تئاتر کار کنند. در حالیکه یک جوان با استعداد که صلاحیت بیشتری هم دارد، فقط چون پول ندارد و نمی تواند سالن اجاره کند، نتواند کار کند. به نظر من اگر این مساله ادامه پیدا کند، عواقب بدی در انتظار ما خواهد بود. از طرفی کارگردان های شناخته شده مثل دکتر ربیعی یا از میان نسل جوان امروز کسانی مانند حسین کیانی یا محمد یعقوبی به دلیل توانایی ها یا تجربه هایی که دارند می توانند با هر گروه ناشناخته ای هم کار کنند ولی اگر هنرپیشه شناخته شده تئاتری که سبقه و تربیت تئاتری دارد هم کنار آنان کار کند مسلماً نتیجه بهتری خواهد داشت. ولی الان کسی که می خواهد تئاتر کار کند، به دنبال یک چهره می گردد تا بتواند گیشه داشته باشد و اصلاً به کیفیت کار فکر نمی کند. کار را هم که می بینیم، هیچ تاثیری بر ما نمی گذارد و نتیجه معکوسی هم در تئاتر خواهد داشت. به نظر من این برای تئاتر زنگ خطر است. درست مثل زمانی که لاله زار از یک تئاتر فرهیخته به آتر اکسیون تبدیل شد. یک زمانی در لاله زار شاهد اجرای نمایش «بادبزن خانم و بندر میر» یا اجراهایی از میر سیف الدین کرمانشاهی، رضا کمال شهرزاد، سید علی نصر یا حسن مقدم بودیم و بعد از آن تنها آتر اکسیون بود که آنجا اجرا می شد. می دانید این اتفاق باعث شد تئاتر های اندیشمند و تئاتر هایی که حرفی برای گفتن داشتند، کنار زده شوند و تماشاگر خود را از دست بدهند. در واقع آتر اکسیون باعث شد سلیقه مخاطب نزول کند. خدا کند این اتفاق یک بار دیگر پیش نیاید و تئاتر ما با این مساله مواجه نشود.»

پورحسینی در این گفتگو از تئاتر های لاکچری هم سخن گفته بود: تئاتر هایی که البته نمی دید و معتقد بود چندان هم پر شمار نیستند. اما باور داشت باید دلیل استقبال احتمالی مردم را از این تئاتر ها ریشه یابی کنیم و خودش حدس می زد این اتفاق به دلیل خستگی مردم است: «مردم خسته اند و از نظر روحی نیاز به تفریح و تنفس دارند. در شرایط حاضر تلویزیون این جواب را به آنها نمی دهد. برای همین یا به ماهواره روی می آورند یا به دنبال تئاتر ها یا فیلم هایی هستند که چنین فضاهایی داشته باشند. به نظر من به جای اینکه بخواهیم سلیقه آنان را نقد کنیم باید این علت ها را بررسی کنیم و ببینیم چرا مردم به دنبال این نوع کارها

یک سال پیش دوستداران پرویز پورحسینی، خبر درگذشت او را با ناباوری و بهت زدگی شنیدند. آنان امید بسته بودند که بازیگر محبوب شان می تواند کرونا را به زمین بزند ولی این ویروس نفرت انگیز امید آنان را به باد داد و جامعه هنری را بار دیگر به سوگ نشاند.

حالا یک سال از آن جمعه غم انگیز می گذرد. یک سالی که بر تئاتر هم سخت گذشت. در این مدت هنرمندان زیادی بابت آینده نامعلوم این هنر در جهان بعد از کرونا ابراز نگرانی کرده اند.

این دلشوره ها البته دلواپسی های قبلی را هم یادآوری می کند. همچنانکه پرویز پورحسینی هم سال ها پیش زنگ خطری جدی را برای تئاتر پیش بینی کرده بود و به نظر می رسد این زنگ خطر مدتی است به صدا درآمده است.

ما به انگیزه اولین سالروز درگذشت این هنرمند، بخشی از نگرانی و دلواپسی او را درباره تئاتر مرور می کنیم.

او در گفتگوی خود با منصور خلیج که در مجموعه کتاب های ماندگار آن صحنه منتشر شده است، گفته بود: به هنگام دیدن یک تئاتر یا فیلم، به دنبال این هستم که با من چه کرده است و چه تاثیری روی من تماشاگر گذاشته است. اینجا خودم را به عنوان تماشاگر معمولی در نظر می گیرم که می خواهد تئاتر ببیند. می دانم به هر حال یکسری چیزها با من هست ولی سعی می کنم مثل یک تماشاگر معمولی، یک مخاطب عادی تئاتر ببینم. اینجاست که می توانم بگویم کار خوب بوده یا نه.»

او در ادامه بحث مهمی را مطرح می کند: صلاحیت کارگردانی که این روزها یکی از موضوعات مهم در تئاتر است: «قدیم ها هر کس دست به کارگردانی نمی زد. زمانی که ما دانشکده می رفتیم کسی که با سواد بود یا به قولی جسارت می کرد، وارد این حیطه می شد. ما برای کارگردانی مرتب با لایه قائل بودیم. یعنی باور داشتیم که کارگردان باید یک دنیای دیگری با خودش داشته باشد. خیلی باسواد باشد. تجربه داشته باشد. کار کردن با بازیگر را بلد باشد. تئاتر امروز جهان را بشناسد و... هر کسی نمی توانست کارگردانی کند.»

اگر جوانی به اصطلاح پرویی می کرد و یک متنی را برای اجرا دست می گرفت، مورد هجوم قسار می گرفت. البته این را بسادآوری کنم که نمی گویم اگر یک نفر بخواهد تجربه کند، بد است ولی اینکه کسی بخواهد از سسر تفتن یا برای پول درآوردن یک عده را جمع کند و در نهایت یک کار

چراغ شانزدهمین جشنواره تئاتر استان روشن شد

شانزدهمین جشنواره تئاتر خراسان شمالی با به روی صحنه رفتن اثر نمایشی «قوی تر» آغاز به کار کرد و بعد از وقفه ای طولانی به واسطه شیوع کرونا چراغ تئاتر روشن شد. در نخستین روز از جشنواره ۴ اثر نمایشی به روی صحنه می رود و «قوی تر» به کارگردانی «علی سعادت» از بجنورد، نخستین اثری بود که در تماشاخانه شمس در ساعت ۳۰:۱۰ به روی صحنه رفت و چراغ جشنواره



شانزدهم روشن شد. نمایش «بیوه سیاه، بیوه سفید» به کارگردانی «آرام نیستانی» از بجنورد نیز دیگر اثر نمایشی ست که ساعت ۱۶ به روی صحنه می رود. طبق این گزارش، تماشاخانه «محراب» و مجتمع فرهنگی و هنری «غدیر» شیروان نیز میزبان ۲ آثار نمایشی «مهمانی جعبه ها» به کارگردانی «دانیال قاسمیان» و «جابر موسوی» و «به نام من دیوانه» به کارگردانی «زکریا شیرمحمدزاده» در ساعت ۱۸ و ۱۹:۳۰ خواهد بود. هم زمان با دومین روز از جشنواره، نمایش های «سرزمین ممنوعه» به کارگردانی «مرتضی رستمی»، «قبل از طلوع آفتاب» به کارگردانی «مصطفی شکاریان» از گرمه و «اتاق ۱۲۱۶» به کارگردانی «امیرحسین جان نثار» به ترتیب در ساعت ۱۰:۳۰، ۱۶ و ۱۹:۳۰ در تماشاخانه شمس روز پنج شنبه به روی صحنه می رود. گفتنی ست؛ اجرای نمایش خیابانی «مضحکه ای در میدان بزم» به کارگردانی «مهدی فخران» نیز روز دوم در محوطه مجتمع فرهنگی و هنری گلشن بجنورد اجرا خواهد شد. گفتنی ست؛ شانزدهمین جشنواره تئاتر خراسان شمالی در تماشاخانه «شمس» بجنورد و «محراب» شیروان و مجتمع فرهنگی و هنری «غدیر» سوم تا پنجم آذرماه به دبیری «امین فرحی» برگزار می شود و ۷ اثر از میان ۲۰ اثر راه یافته به این جشنواره با یکدیگر رقابت می کنند. طبق این گزارش، به لحاظ رعایت شیوه نامه های بهداشتی، اجرای جشنواره با ۵۰ درصد ظرفیت سالن برگزاری می شود و از این روی اولویت با گروه های نمایشی ست.

گفت وگویی «صبح نو» با نویسندگان و کارگردان نمایش «سوتیراس»

وحشت را بسیار روانکاوانه می بینم

شیطان موجودی غیرفیزیکی است که به عقیده یاورمندان به آن، انسان ها را گمراه و به انجام گناه ترغیب می کند. حال «شایان قنادزاده» نمایشنامه ای نوشته که در آن انسان را با شیطان درونش روبه رو می کند. «سوتیراس» نمایشی است که این روزها در سالن ارکیده پردیس تئاتر شهرزاد به روی صحنه رفته، نمایشی که فرم و متن را با خوبی درهم آمیخته است. در این فرصت با این هنرمند گفت وگو کرده ایم و او از جالبات های اجرا بردن این نمایش به «صبح نو» چنین می گوید:

سمانه استاد



نمی شوید. کسانی که دکور را رویه و نگاه می کنند، سکو بروج می بینند اما اگر از بالاتر نگاه کنید طرح گل سرخ گلپسایهای گوتیک را می بینید؛ دایره، گلبرگ های لوزی شکل و گلبرگ های مربع شکل. طرح و مجری دکور ما خانم نهمینه نعیمی هستند که ذهنیت خوبی به فضایی که می خواستیم بسازم داشتند و پیشنهاد دادند که به سمت طراحی این گل سرخ خاص برویم تا این موضوع دکور را چندوجهی کند. یعنی علاوه بر اینکه استفاده های متنوع از فضاها داشته باشیم، چیدمان دکور هم حرفی برای بدن داشته باشند و یک قرابت تعبیری با گل کار نیز اتفاق بیفتد.

پروسه تمرینات این کار چطور بود و چقدر طول کشید؟

تمرینات ما از ۱۱ خردادماه شروع شد تا ۲۵ آبان ماه که اجرا رفتیم؛ البته با وقفه ای سه هفته ای. یک مشکل بزرگ که اکثر گروه ها دارند، این است که نمی توانیم با دکور در سالن تمرین کنیم؛ زیرا سالن زودتر در اختیار ما قرار نمی گیرد و نمی توان دکوری با این ابعاد را در پلاتو نصب کرد. این موضوع باعث می شود که گروه ها نتوانند با نور تمرین کنند. به همین دلیل شب های اول اجرا برای ما حکم قلی گیری پیدا می کند و تازه جلوی تماشاگر می فهمیم که مشکلات نوری مان چیست. به عبارتی، آزمون و خطای نور جلوی تماشاگر اتفاق می افتد.

در آینده چه کاری از شما خواهیم دید؟

متن جدیدی نوشته ام و فعلا اسمش را «آراگون» گذاشته ام.

متن جدید هم در همین فضاهاست یا فرق دارد؟

قصه دارم. سریع عاقله اصلی ام بروم که ترازوی خشونت و وحشت است، نه به معنای وحشتی که متداول است. من وحشت را بسیار روانکاوانه می بینم و اعتقادم بر این است که ترسناک ترین تصویری که از یک انسان می توانم به او نشان بدهم، خود است.

کنیم، من قراردادم را با سالن شهرزاد منعقد کرده بودم و برآورد هزینه های مان نیز با سرمایه گذار کار انجام شده بود. هرچقدر جلوتر رفتیم شرایط بسیار عجیب و غریب می شد. قیمت لباس، دکور و حتی پلاتو هفته به هفته تغییر می کرد و مدام رویه افزایش بود. برآورد اولیه ما کمابلا چیزی که الان اتفاق افتاده است فرق دارد و ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. این موضوع فشار زیادی را به گروه اجرایی به ویژه تهیه کننده وارد کرد. از طرف دیگر، حمایتی هم وجود ندارد و گروه ها باید به صورت خصوصی و خودجوش عمل کنند. آن ها باید انبساط اجرا کنند یا باید بی خیلی مسائل و مشکلات راه تن شان بمانند. این بزرگ ترین چالش مادر این مسیر بود. تعداد انگشت شماری از دوستان نیز هستند که در بعضی شرایط بسیار کم اطفی می کنند و نمونه اش را در کار خودمان نیز داشتیم. متأسفانه من دو نفر از بازیگران اصلی ام را یک روز قبل از اجرا به دلیل برخی اختلاف سلیقه ها از دست دادم. آن ها در حین تمرین و بدون اطلاع من کار را رها کردند و رفتند و تا امروز هم هیچ خبری از آن ها ندارم. پیگیری کردم که حداقل با هم حرف بزنیم تا مشکل را حل کنیم اما متأسفانه امکان پذیر نشد.

یک مشکل بزرگ که اکثر گروه ها دارند، این است که نمی توانیم با دکور در سالن تمرین کنیم؛ زیرا سالن زودتر در اختیار ما قرار نمی گیرد

باز خورد ها به نمایش «سوتیراس» تا امروز چطور بوده است؟

عموما مخاطبان از کار راضی بودند. چهار اجرای اول ما به واسطه تداخل با اجرای نمایش «خاک سفید» با تاخیر زیاد شروع شد. سعی کردم با سالن تعامل کنم تا به نوعی مشکلی پیش نیاید. دکور خاک سفید هم بسیار سنگین و پیر از جزئیات بود و جمع کردن آن زمان می برد.

کمی از طراحی صحنه بگویید و اینکه با این طراحی چه چیزی را مدنظر قرار داده بودید؟

مانماشاگرانی داشتیم که دوبار کار را دیدند. آن ها می گفتند که کار را از دو نقطه خاص و از هر نقطه تصویری متفاوت دیده اند. طراحی دکور ما به این صورت است که وقتی از قسمت های بالاتر به دکور نگاه می کنید، متوجه طراحی خاصی در دکور

در ابتدا برای ما بگویید معنی واژه «سوتیراس» چیست؟

«سوتیراس» یک واژه یونانی است به نام سرزمین پادشاهان.

چه شد که سریع نوشتن متن «سوتیراس» رفتید؟

در رابطه با متن چندین فاکتور وجود داشت. من از گذشته بسیار به فلسفه و فرهنگ یونان باستان علاقه داشتم و این علاقه یکی از دلایل نوشتن این متن شد. احساس می کنم مواردی در آن زمان وجود داشت که اگر امروز رنگ نمی باخت وضعیت انسان مدرن بهتر از این بود. جریان خلیل جبران نیز داستان کوتاهی دارد به نام شیطان و با خواندنش این سوال در ذهنم ایجاد شد که چطور می توان به ملاقات انسان با شیطان جنبه نمایشی داد؟! اعتقاد شخصی من این است که شیطان بیشتر از آنکه یک عنصر بیرونی باشد، یک عنصر درونی است و بخشی از وجود هر آدمی می تواند آن شیطان باشد. به قول زوربای یونانی، «گاهی شیطان رحیمم و گاهی سلیمان حکیم». این گاهی شیطان رحیم بودن یعنی بخشی از وجودم با بخش دیگری شروع به جدل کردن می کند. این موضوع هم یکی دیگر از دلایل من برای رسیدن به این متن بود.

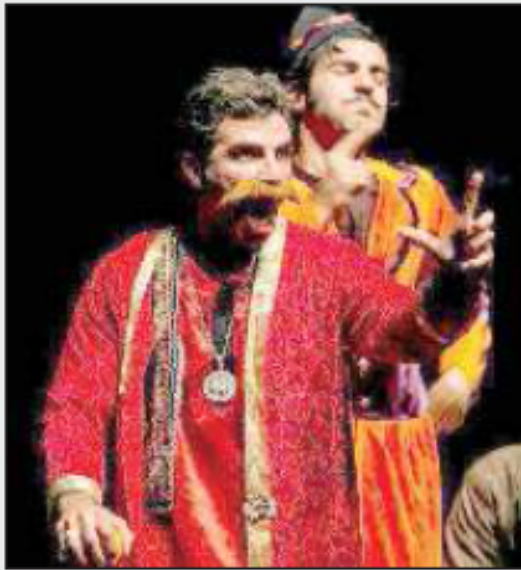
شما جغرافیای این متن را به دلیل علاقه تان به یونان در آن سرزمین قرار دادید. نمی شد مواجهه با شیطان را در یک بستر ایرانی به تصویر بکشید؟

صرفاً علاقه شخصی نبود. نمی توان کتمان کرد که ریشه فلسفه ادبیات نمایشی و بسیاری از مواردی که جنبه نمایشی دارد، در یونان باستان است. این یک واقعیت تاریخی است. دلیل دیگر این است که اگر قرار بود با فرهنگ خودمان این حرف ها را بزنیم، نمایش امکان اجرا نداشت و تیغ سانسور سریع ما هم می آمد؛ البته که با وجود همه این ها این موضوع شامل حال ما نیز شد. گرچه در این نمایش من از فضای دیگری صحبت می کنم که شباهت هایی هم با فرهنگ خودمان هم دارد، دوبار متن من تغییر کرد.

در اجرای این نمایش با چه چالش هایی روبه رو بودید؟

یکی از بزرگ ترین معضلات تئاتر در کشور ما عدم حمایت است. زمانی که خواستیم کار را شروع

«سیاه» را به اندرونی سلطان راهی نیست



گروهی مطرب قصد اجرای برنامه در اندرونی شاه را دارند ولی از آنجا که سیاه زبانی سرخ و آتشین دارد، او را به اندرونی شاه راه نیست. این خلاصه‌ای است از داستان نمایش «پری» که برای شرکت در جشنواره تئاتر آیین سنتی آماده می‌شود. به گزارش ایسنا، متن این نمایش نوشته خیرالله تقیانی‌پور است که پیش از این هم خودش آن را روی صحنه برده و حالا قرار است با کارگردانی احسان جانمی ریزی

در بخش صحنه‌ای بیستمین جشنواره تئاتر آیینی سنتی روی صحنه برود. کارگردان این نمایش در توضیح بیشتر جزئیات آن می‌گوید: این نمایش داستان گروهی مطرب است که قصد اجرای نمایش در اندرونی پادشاه را دارند اما از آنجا که سیاه به عنوان یکی از اعضای این گروه زبانی سرخ دارد، موفق به راه یافتن به اندرونی پادشاه نمی‌شود و در ادامه این ماجرا اتفاقاتی رخ می‌دهد. جانمی ریزی با اشاره به اینکه نمایش «پری» درباره هنر و هنرمند است، ادامه می‌دهد: این اثر به نفس اجرای هنر در ملاء عام و میان مردم و فلسفه پشت آن می‌پردازد و به نوعی حدیث نفس یک گروه نمایشی است.

او درباره شیوه اجرای این نمایش توضیح می‌دهد: در این نمایش به اتفاق دیگر دوستانم در گروه نمایشی «کاووش» از شیوه‌های اجرایی متنوعی همچون سیاه‌بازی، نقالی، بقال بازی و معرکه‌گیری بهره گرفتیم و بر این باور هستیم که باید از مسیر این آثار به احیای آئین‌ها و سنت‌های نمایشی دست یابیم.

تاریخ انتشار: دوشنبه ۸ آذر ماه ۱۴۰۰ * ۰۹:۵۳

اجرای ۵۷ اثر نمایشی در ۲۲ تماشاخانه خصوصی و عمومی

سلام به صحنه

محسن بوالحسنی خبرنگار

با فروکش کردن آخرین موج کرونا و آبی شدن وضعیت بسیاری از شهرهای کشور، سالن‌های تئاتر دوباره رونق و رفقا و آمد تماشاگران را تجربه می‌کنند و روی ریل مناسب افتادن اجراها باعث شده ۲۲ سالن تماشاخانه‌های عمومی و خصوصی فقط در هفته اول آذرماه از ۵۷ نمایش متنوع میزبانی کنند. این اتفاق بالاخره بعد از قریب به یک‌سال و نیم در سایه تیربوع روند واکنش‌ناپذیر بالاخره افتاد و حالا کم‌کم شاهد بازگشت امید و اطمینان مردم برای مشارکت هر چه بیشتر در فعالیت‌ها و کنش‌های فرهنگی هستیم و گرم شدن تب و تاب اجرای آثار نمایشی و حضور بیشتر مخاطبان در تماشاخانه‌ها هم‌پختی از این ماجراست. سری برتیم به چند تماشاخانه و موزهی داشته باشیم به نمایش‌هایی که این روزها روی صحنه هستند یا بزودی به صحنه سلام خواهند داد.

مجموعه تئاتر شهر

نمایش «بانوی محبوب من» به نویسندگی آلن جی لرتنر با بازیگری متن و کارگردانی گلاب آدینه از ۲۰ آبان در تالار اصلی تئاتر شهر روی صحنه رفته و علاقه‌مندان می‌توانند با خرید بلیت

۹۰ هزار تومنی این نمایش، ۱۶۵ دقیقه پای روایت دو بخش آدینه از متن جی لرتنر بنشینند. نمایش تراژدی-کمدی «بیماری خانواده میم» نوشته فاستو پارودیو با ترجمه نیایش بهمنیه و کارگردانی سروش طاهری هم که از ۱۹ آبان اجرایش شروع شده هر روز در سالن سایه این مجموعه روی صحنه می‌رود و ۸۰ دقیقه با مخاطبان خود از روایتی تازه و جذاب می‌گوید. نمایش «بابا آدم» به نویسندگی و کارگردانی لیلی عجاج هم همه روزه جز شنبه‌ها ساعت ۱۸:۳۰ در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود و در نهایت نمایش «تختی در اتاق ۲۳ هتل آتلانتیک» به نویسندگی و کارگردانی نینو صالحی جدیدترین اثری است که در سالن قشالی مجموعه تئاتر شهر با مدت زمان ۶۰ دقیقه همه روزه ساعت ۱۸:۳۰ به جز شنبه‌ها میزبان اهل تئاتر خواهد بود.

تماشاخانه ایرانشهر

نمایش «بیل من» اثری است به کارگردانی مهدی چاکری و نوشته شده بر اساس نمایشنامه «هباتش سرزمین‌های غرب» نوشته جان میلینگتون سینگ. این نمایش هر روز از ساعت ۱۹:۴۰ در سالن ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. نمایش «پتو» به

نویسندگی و کارگردانی اوشان محمودی هم ساعت ۱۸ در سالن استاد ناظرزاده کرمانی این تماشاخانه اجرا می‌رود. نمایش «بابا بابا» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی نیما ایمان‌زاده ساعت ۱۷ در سالن استاد سمندریان پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. نمایش «درس بی پایان» (چند پرتله از آموزش کاسپار) به نویسندگی بهراد آقاچامالی و کارگردانی میلاد نیک‌آبادی هم ساعت ۱۹:۳۰ در همین سالن روی صحنه می‌رود.

تماشاخانه استاد انتظامی

سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان از ۹ آذر ماه میزبان نمایش «آسانسور نداره» به نویسندگی سیاستین تیری، ترجمه هومن حسین‌زاده و کارگردانی لیختد بدیعی خواهد بود که همه روزه بجز شنبه‌ها از ساعت ۱۹:۴۵ به صحنه خواهد رفت. «روزمرگی» دیگر اثر نمایشی است که به نویسندگی و کارگردانی بهنام حسن‌پور که از سه روز دیگر، ساعت ۱۷:۳۰ در سالن استاد انتظامی خانه هنرمندان میزبان مخاطبان خواهد بود.

تماشاخانه مهرگان

«تراژدین اجبارین» نام نمایشی است به نویسندگی آنتوان چخوف با ترجمه داریوش مودبیان و کارگردانی



نمایش «مجهول ابن اجل» به کارگردانی سیروس گهویی / توال

محمد رضا خطیب که در سالن شماره دو خانه نمایش مهرگان هر شب به جز شنبه‌ها ساعت ۲۰ به صحنه خواهد رفت. سیروس گهویی تیزاد هنرمند و بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون هم که پیشینه هنری خود را دهه‌ها قبل با هنر تئاتر در خوزستان آغاز کرده بود بالاخره بعد از سال‌ها دوری با نمایش «مجهول ابن اجل» در مقام نویسنده و کارگردان به صحنه بازگشته است. این اثر نمایشی تماشاخانه مهرگان در سالن شماره ۱ این روزها از ساعت ۱۹ در سالن شماره ۱ تماشاخانه مهرگان روی صحنه می‌رود. «خانواده آقا کمال» هم به نویسندگی و کارگردانی مرضی گلچین همه روزه به جز شنبه‌ها ساعت ۲۰:۳۰ در همین سالن اجرا می‌رود. همچنین کنسرت نمایش «دوازده» به نویسندگی کیوش زارع‌طلب و کارگردانی حمیدرضا رکنی همه روزه به جز شنبه‌ها ساعت ۶۵ دقیقه میهمان سالن شماره ۱ خانه نمایش مهرگان خواهد بود.

کارگردانی پدram بناها تازه‌ترین نمایش تماشاخانه اهوراست که از ساعت ۱۷ میزبان مخاطبان خواهد بود.

تماشاخانه سیند

نمایش «اتاق» به کارگردانی زنده‌نام ساشا کشوادی (که ۹ آبان ۱۴۰۰ در آستانه اجرای عمومی درگذشت) ساعت ۱۹ در تماشاخانه سیند روی صحنه می‌رود. نمایش «قتل در کاخ» به نویسندگی مشترک جانان‌نسی سیر، هنری شیلدز و هنری لویز با ترجمه و کارگردانی پوریا جعفریورکاشی هم ساعت ۲۱ در سالن شماره یک پردیس تئاتر سیند میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. در سوبی دیگر، ساعت ۱۸:۳۰ روی صحنه می‌رود.

تماشاخانه اهورا

نمایش «شکار مرگ» به نویسندگی آیرا لوبین و بازیگری و کارگردانی نگار عزیزی پس از گذشت سه سال از ترجمه‌اش توسط شهرام زرگر، برای نخستین بار از ساعت ۱۷:۳۰ در تماشاخانه اهورا به صحنه می‌رود. دیگر نمایش تماشاخانه اهورا اثری است

تماشاخانه مولوی

نمایش «کریم» به نویسندگی و کارگردانی محمود حمیدی همه روزه به جز شنبه‌ها از ساعت ۲۰ میهمان سالن اصلی تالار مولوی است. دیگر نمایش دانشگاهی میهمان سالن کوچک تالار مولوی به عنوان تنها سالن اختصاصی نمایش‌های دانشجویی، «سنتر» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا اخوان و «داناوری علی مهران» است که ساعت ۱۹ روی صحنه می‌رود.

درام ناشدنی

نگاهی به نمایش «دن کیشوت»
تلاش برای دراماتیزه کردن «دن کیشوت» شاید یکی از آن هوس‌های دائمی بشر باشد. نخستین رمان تاریخ، گسستی است میان متون دراماتیک و تفریلی و آزادی روایت از چنگال شعر. پیر مرد متوهم داستان سرواتس، اگر بر غول‌ها چیره نشده، اما در رقابت با کالدرون و وورگا، از شکل تازه‌ای از روایت رونمایی کرد تا میراث‌داران ۲ غول نمایشنامه‌نویس اسپانیایی، آرزوی به تصویر کشیدنش را امدام با خود حمل کنند. شکست پروژه‌های سینمایی اورسن ولز و تری گیلیام هم به این افسانه افزود که نمی‌شود این بازمانده جهان شوالیه‌گری را روی صحنه نمایش، زنده‌اش کرد. با همین تصور سراغ نمایش جواد مولانیا رفتیم. اجرایی برگرفته از متن میخائیل بولگاکف؛ اما با جرح و تعدیل نمایش بولگاکف هم مطول است و هم برای امروز تماشاگران ناشدنی؛ پس مولانیا برشی از این اثر برگزیده است. نمایشی که قرار است وجهی کمیک و در عین حال روایتی از ماجرای دن کیشوت داشته باشد؛ اما آنچه بیش از هر چیزی از تماشای نمایش نصیب می‌شود، نسبت اثر با وضعیت امروز ماست. واژه Quixote برآمده از شخصیت سرواتس در زبان انگلیسی به آدمی گفته می‌شود آرمانگر، اما آرمانی که قرار نیست عملی شود. به فارسی عموماً این واژه را خیالی‌باف ترجمه می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد این برابر نهاد چندان توان انتقال معنای درونی واژه Quixote را نداشته باشد. Quixotism دیگر واژه‌ای است که دلالت بر وجوه شخصیتی دن کیشوت می‌کند. کسی که پیرو کیشوت‌نیم است آرمان خیالین خویش را دنبال می‌کند. بر خلاف آدم خیالی‌باف و اجد نوعی انفعال نیست. ایدئالیسم او با پراگماتیسم دچار تعامد می‌شود. او با دست‌خالی هم که شده، به سراغ داستان رمانتیک خود می‌رود، با آنکه می‌داند شدنی نیست. در پایان نمایش جواد مولانیا، دن کیشوت در آستانه مرگ اعتراف می‌کند که می‌داند کیشوت و آنچه به دنبالش بوده، از سر جنون نبوده است. حافظه‌اش به خوبی کار می‌کرده و می‌دانسته در چه اشفتگی‌ای به سر می‌برده؛ اما او آرمانش را به زندگی معمولی ترجیح داده است. او در برابر آدم‌هایی است که در کی از واژه Quixote ندارند و نمی‌شوان آنها را Quixotic نامید. در عوض آنان مشمول ۳ واژه جذاب می‌شوند: تظاهر، تغافل، تجاهل. از همین روست که گویی پایان نمایش، تصویری است از امروز ما، آدم‌هایی که وانمود می‌کنند خودشان را به غفلت می‌زنند و در مواجهه با پدیده، وانمود به نادانی می‌کنند. چنین آدم‌هایی فاقد هر گونه آرمانی‌اند. نمایش مولانیا به خوبی نشان می‌دهد ۳ مصدر تظاهر، تغافل، تجاهل چگونه ما را احاطه کرده



است. چگونه ما برای بقا، آرمان‌های خیالی خودمان را نیست می‌انگاریم و به آدم‌هایی چون دن کیشوت برجسب دیوانه می‌زنیم. اگر چه در روزگاری که قهرمانان ثروت‌ساز برآمده از نیستی برایمان جالبند - فارغ از اینکه چقدر این اسطوره‌سازی واقعی باشد - اما با عینک بودریار می‌توان گفت این اسطوره‌سازی نیز محصول تظاهر، تغافل، تجاهل است. دن کیشوت تلاشی بود برای نشان دادن گذار از آرمان به امکان. آدم‌های اطراف دن کیشوت چیزی جز امر ممکن را نمی‌خواهند، پس در این مسیر وانمود می‌کنند به چیزی که نیستند تا شاید ممکن را حفظ کنند. در مقابل دن کیشوت در پی آرمان است. آنچه دیگران جنون می‌خوانندش، چیزی است که باید دن کیشوت بدان دست یابد؛ اما مسیر رسیدن ناممکن است و ناشدنی. او می‌میرد؛ اما آدم‌های اطرافش همه بقا را بر لقا ترجیح می‌دهند. زمین مکان ممکن برای زیستن است، اگر زیستن را تظاهر نکنیم.